

دفا تر حزب توده ایران را باز پس دهید



دوره هفتم، سال سوم، شماره ۴۷۸
یکشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۶۰، مطابق با
۲۹ جمادی الاول ۱۴۰۱ - بها: ۱۵۰ ریال

یک سؤال از مهندس بازرگان!

مهندس بازرگان در سخنرانی خود در روز دوازدهم فروردین ۱۳۶۰ در زنجان گفت:
«در آن موقع (قبل از ۲۸ مرداد) شدت عمل را (توده ایها) به حدی قابل رسانده بودند، بطوریکه یکشنبه اوپاشی و اراذل را به قم فرستادند، به باغی که مرحوم آیت الله بروجردی در آنجا در بیلاق قیامت آباد بودند، دست به سرافشایی زدند و به زدن و کوبیدن پرداختند و نامه های با جوهر قرمز برای تمام علماء فرستادند که ما متعزب روی کار می آیم و همه شما را از بیخ می گذرانیم. این کارها را کردند برای اینکه روحانیت را علیه مصلح، علیه ملی کردن نفت و ملیون برانگیزانند...»
(میزان - ۱۵ فروردین ۱۳۶۰ - پزنتها از نامه مردم است)

سؤال ما اینست:
آیا شما واقعا نمی دانید که نویسنده نامه های تهدید آمیز چه کس است و چه محافل بوده اند؟ اگر نمی دانید - که ما می دانیم - آیا نظر شما درباره این سخنان جاهلانه آیت الله طالقانی قبیح نیست، که شهادت (مردم) ما را ایشان را دارید؟
آیت الله طالقانی واقعت تاریخی بالا را چنین شرح میدهد:
«در منزل آیت الله بیبهانی، که از علماء درباری بود، تری چند از نویسندگان نشسته بودند، که به آنها محرّم گفتند. در منزل ایشان (آیت الله بیبهانی) علماء دیگر هم نشسته بودند. زمان قبل از ۲۸ مرداد بود. نویسندگان با جوهر قرمز به امضای جمعی حزب توده ایران برای علماء توهینهای جراحی بر روی پهلوی ایشان نمودند. آیت الله طالقانی قید نیست و می فرستادند. (بخش اول، از فصل سوم، کتاب طالقانی و تاریخ)»
آیت الله طالقانی بازم میگوید:
«نه برای من، برای تمام مراجع دین، برای مرحوم آیت الله بروجردی، آتشدر»
پایه در صفحه ۷

احزاب کمونیست و کارگری جهان در سیاست خود کاملاً مستقل هستند

گفتگونی با سردبیر مجله «جوانان امروز» (۱)

تمام جنایاتی که امپریالیسم آمریکا طی سی سال نسبت به مردم ایران مرتکب شده، تمام جنایاتی که رژیم گلتشه و دستگاه دوزخی ساواک به دستور آمریکا در ایران مرتکب شده، تجسم شیطان بزرگ است.

نیروهای ارتجاعی همیشه به مخالفان خود بر حسب همدستی یا یک نیروی خارجی را زده اند: به جوردا نوبرونو، به ویکتور هوگو، به لینن، و به همین دولت و اکثریت کنونی مجلس اسلامی ایران! ما مستضعف را اینچنین مسخر می کنیم: «همین میلیون کارگر، دهقان، پیشاور، روشنفکر زحمتکش. اما سرمایه دار را ما مستضعف نمی دانیم.»

صفحات ۴ و ۵

مرزها از کجا میگذرند؟

و ضد انقلاب از اما بصورت همان مرز پیش از انقلاب باقی نماندند. این مرز با گسترش انقلاب و عبور شدن آن بر حسب آسیمی که به منافع گروهها و طبقات وارد میکند، تغییر میکند. گسترش نیروهای ضد انقلابی در جامعه پس از انقلاب مرکز ثابت نیست. ضد انقلاب معمولاً بر مبنای ترکیب جدیدی از نیروهای اجتماعی شکل میگیرد. ما هم اکنون شاهد

مستودمان مرز بین انقلاب و ضد انقلاب، مرز بین نیروهای انقلابی و ضد انقلابی است. ما در نامه هفتم، بارها در این باره سخن گفته ایم و شاید برای خوانندگان ما سؤال انگیز باشد که، اینها تکرار برای چه؟ نخست باید بگوئیم که تشخیص این مرز، یعنی تمیز دادن این مسئله، که در هر مرحله از مراحل انقلاب، چه طبقات و گروهها می توانند درست انقلاب کامیاب را درند و چه طبقات و گروهها، بر حسب موقعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خودشان در برابر انقلاب چه می کنند و یا به چه ضد انقلاب ملحق میشوند، مهمترین پایه تدوین استراتژی و تاکتیک است. سیاست حکومت زاینده از انقلاب باید بر پایه شناخت درست این نیروهای اجتماعی باشد، تا بتواند نیروهای هوادار انقلاب را برای مبارزه با نیروهای مخالف انقلاب متحد سازد.

اما نخستین رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در پیام نوروزی خویش به مردم و مسئولین، سال جدید را «سال حکومت قانون خواندند» و افزودند:
«مختلف از قانون مجرم و قابل عقوبت است.»

تاکید رهبر انقلاب بر قانون و اجرای آن، بسیار پر معنا و اهمیت است. در واقع تمامی تلاش ضد انقلاب و طبقاتی و اقشاری که از انقلاب زیاده دیده اند و با تعمیم انقلاب روبه نابودی زوال خواهند رفت، مصروف است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را، که پایه های قانونی انقلاب را استوار میسازد، بی اعتبار کند و فروریزند. اگر آنها به این هدف نائل شوند، کدام بزرگی در جهت تحقق تلاشهای شوم خود، که ایجاد زمینه برای حفظ مناسبات سرمایه داری و بزرگ مالکی، احیای پیوندهای وابستگی به امپریالیسم و حفظ منافع طبقات وابسته و غارتگر است، برداشته اند. درست همین دلیل مبارزه بر سر حفظ و اجرای قانون اساسی و تکمیل آن در جهت منافع زحمتکش، یکبارزه عرصه های مهم مبارزه میان جبهه انقلاب و ضد انقلاب را تشکیل میدهد.

تاکید رهبر انقلاب بر ضرورت حاکمیت قانون در سال ۱۳۶۰، آنگاه درست در زمانیکه ضد انقلاب تمام تلاش خود را برای ایجاد تشنج و تحریک، سلب امنیت قضائی و مناعت از اجرای قانون در صفحه ۲

برای توجه همگان!

گردانندگان روزنامه «میزان» و رهبران «نهفت آژانس» بر خلاف رهنمود امام خمینی، به جوخه اتلافی دامن میزنند. آنها بویژه خود را مجاز میدانند که به حزب توده ایران بدون توقف و مبرور و توهین کنند، دشنام بدهند و افترا بزنند. ما اولاً توجه آیت الله مصلحی را کنی، نماینده امام خمینی در جهت سفر نری رسیدگی به رفع اختلافات مشروران مملکتی و آیت الله موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور و همچنین انکار عمومی مردم ایران را به آیین واقفیت جلب می کنیم.

آمریکا و وابستگانش فعالیت نظامی خود را علیه انقلاب ایران گسترش میدهند

بسیک متحد خود در بلوک تجار کارانه «ناو» شناخته است. تفسیر در روزهای اخیر کاراکتر تشدید فعالیت نظامی گران امریکایی در منطقه خاورمیانه، بویژه در اطراف جمهوری اسلامی ایران است. نظامی پشتیبان و وزیر خارجه کنونی آمریکا، الکساندر هگ، پس از دیدار با ریگان در بیمارستان، غارم کشورهای مرجع خاورمیانه، یعنی آن کشورهای که سرزمین خود را به پایگاه تحریک، توطئه و تدارکات جنگی علیه جنبشهای رهایی بخش انقلابی و ضد امپریالیستی مردم منطقه بویژه علیه انقلاب شکوهمند مردم ایران مبدل کرده اند، شد. امپریالیسم آمریکاییست که در صدد گسترش فعالیت های نظامی خود در منطقه بوده است. یکی از مقاصد توطئه خاتانه کمپ دویده، تبدیل صیدای سینا به پایگاه نظامی امپریالیسم آمریکایی در منطقه بود. دولت آمریکا برای فریب افکار عمومی جهان ابتدا میکوشید که از عنوان سازمان ملل متحد برای این منظور تجاوز کارانه خود استفاده کند، و چون در این تلاش با مخالفت جدی اتحاد شوروی روبرو گردید، اکنون در صدد برآمده است که این توطئه نظامی خود را زیر نام دولت های مرجع عربی منطقه، یعنی سرسردگان خود عملی سازد. اخبار رسانه های گسرویی پوشوش نشان میدهد که یکی از مقاصد عمده مرجع الکساندر هگ، به کشورهای شرق منطقه، تدارک مقدمات این توطئه نظامی است. دولت انگلیس نیز که در شیخ نشینهای منطقه نفوذی شده و تاریخی دارد، در این تلاش نظامی جنگ افزوانه امپریالیسم آمریکا

تأیید، اهمیت بحث درباره این مسئله بویژه از آنجا ناشی می گردد که تلاش برای ایجاد سردرگمی در شناخت این نیروها و آشفته کردن این مرزها، یکی از مهمترین منحنه های فعالیت سیاسی، نظری و تبلیغاتی ضد انقلاب داخلی و خارجی بنظر می آید. تری کفنی نیروهای اجتماعی بسود خویش است.

یک فرزند هو ا پیمای دشمن در منطقه فارسیات سرنگون شد

رزمندگان انقلاب در ادامه نبرد عادلانه خود علیه تجارگران صمدی به پیروزیهای دیگری دست یافتند. اطلاعاتی شماره ۵۵۵ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران گوشه ای از این پیروزیها را اعلام کرده است. در اطلاعاتی مزبور از جمله می خوانیم:
۱- رزمندگان جانباز نیروی زمینی دیزوز (۱۳ فروردین) مواضع نیروهای ارتش عراق را در دو بخش اشغال خونین شبر و فار زیر آتش توپخانه و سلاح سنگین خراب کردند، که در نتیجه ۲۴ نفر از نیروهای دشمن کشته

اگر این اخبار را با اطلاعاتی که از چندین پیش پیرامون مسئله فروش اسلحه امریکایی به رژیم ضیالانقلابی در پاکستان منتشر شده است، یکجا در نظر بگیریم، آنگاه مسئله تشدید تدارکات نظامی امپریالیسم، بسرگردگی دشمن اصلی انقلاب ایران، امپریالیسم آمریکا، در سراسر منطقه، بویژه در اطراف جمهوری اسلامی ایران، کاملاً آشکار میگردد.
صادق نیست که این روزها باز موج ترور، بمباران و خرابکاری، بمباران دام نرزان به اختلافات و تفرقه افکنی، و معنای جنگ افزوانه امپریالیسم آمریکا

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

پیام سازمان جوانان توده ایران - خوزستان بمناسبت سومین بهار پیروزی انقلاب

جوانان غیور و انقلابی خوزستان! آغاز سومین بهار پیروزی انقلاب شکوهمند مردم میهن ما بر بربری امام خمینی که ۳۸مین سالگرد تولد سازمان جوانان توده ایران همراه است، پرشما مبارک باد!

بهار امسال در شرایطی فرا میرسد که میهن انقلابی و دستاوردهای انقلاب همدرد امپریالیستی و خلفی مردم میهن ما بر بربری امام خمینی که جوانان در پیش رسانیدن آن نقش بسزایی ایفا کرده اند، آماج توطئه ها و حملات ترغیبانه امپریالیسم جهانی، پس کردگی امپریالیسم آمریکا و ارتجاع هار و زخم خورده منطقه بخصوص رژیم جنایتکار صدام قرار گرفته است. اکنون در کارزاری توفانی، سومین بهار پیروزی انقلاب در دشمنی سر سبز ما جلوه میکند. حضور جوانان انقلابی خوزستان و دستاورد خلق رزمنده ایران، در صفوف ارتش بیست میلیونی، سپاه پاسداران، ارتش و عشایر و در این کارزار حیاتی و سامانی حکایت از پیوند ناگسستی جوانان انقلاب و جمهوری اسلامی

ایران دارد. سازمان جوانان توده ایران - خوزستان با بهره گیری از تجربیات غنی سازمان جوانان توده ایران طی سر و هفت سال مبارزه در راه محو سيطرة، شوم امپریالیسم بر میهن ما، جوانان انقلابی خوزستان را فرا می خواند، تا خوددوش سایر جوانان میهن ما، بخاطر حفظ و تعمیق دستاوردهای انقلاب ۲۲ بهمن، در کجریه متحد خلق گرد آید و باین ترتیب دشمنان داخلی و خارجی انقلاب را از شکستی قطعی برخوردار سازند. باشد که سال نو، سال اتحاد و یگانگی نیروهای انقلابی در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی، پس کردگی امپریالیسم ناپاکار آمریکا، گردد.

تایک یاد خاطره شهدای راه استقلال و آزادی میهن ما! خجسته بانسومین بهار پیروزی انقلاب!

فرخنده باد ۴۸مین سالگرد تأسیس سازمان جوانان توده ایران!

سازمان جوانان توده ایران - خوزستان
ارادار ۱۳۶۰

مدارس قراویونلو و بازگشایی کنید

پدینال انتخاب مدیر جدید برای مدرسه راهنمایی روستای قراویونلو در شهرستان درگز، بین اداره آموزش و پرورش این شهرستان و دبیران و دانش آموزان این مدرسه اختلافاتی بروز کرده که منجر به تعطیل آن گشت. دبستان ناآرامی این روستا نیز به دلایل مشابهی تعطیل شده است.

ما توجه مقامات مسئول را به این نکته جلب می کنیم که در چنین شرایطی ایجاد جو اختلاف و ناراضی تراسی، بخصوص در مدارس، اقدامی در جهت مخالف مصالح ملت و انقلاب است. از این رو از مقامات ذیصلاح می خواهیم که هر چه زودتر با بازگشایی این مدارس و رفع اختلافات، زمینه فعالیت همدرد انقلاب را از بین ببرند.

در سال حکومت...

بقیه از صفحه ۱

قانون اساسی، بکار می برده بسیار اهمیت دارد. واقعیت آنستکه در سال گذشته ضدانقلاب بسیار کوشید تا از حاکمیت قانون و استقرار نهادهای قانونی ممانعت کند و متأسفانه در برخی زمینه ها، بویژه در زمینه تأمین آزادیهای مطرحه در قانون اساسی، با سوء استفاده از انحصارطلبی و تشنگ نظرپریم و زیاددوری ها، به موفقیت هایی نیز نائل گردید و از این رهگذر در زبانه های جدی برای انقلاب پدید آورد.

رهبری و هدایت دستجات ماچامی با چاقاداره در پوشش به دفاتر احزاب و گروه های سیاسی و دفاتر روزنامه ها و کتابفروشی ها، گسترش دائمی تشنه و درگیری در شهرها و روستاها و ایجاد جو ناامنی، محدود کردن فعالیت مثبت نیروهای انقلابی پشتیبان

نمایشگاه سالگرد انقلاب در شبستر

از طرف هواداران حزب توده ایران در شبستر، بمناسبت دوین سالگرد پیروزی انقلاب، نمایشگاه عکسی برپا گردید، که مورد استقبال زحمکشان شبستر قرار گرفت. این نمایشگاه روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن برپا بود، ولی متأسفانه روز ۲۲ بهمن، عناصر ضدانقلاب به آن حمله و آنرا پاره کردند.

مرزها از کجا میگردند؟

همچنین نمیتوان بین نیروهای انقلابی و ضدانقلابی بر حسب مسئولیت ملی (مثلا ایرانیست یا عربیست) مرز کشید، یعنی مانند گروه تاسلوس، هر کردی را در جبهه انقلاب و هر غیر کردی را در جبهه ضدانقلاب جای داد و با همین ضابطه، فزودال کرد را دوست و پاسدار غیر کرد را دشمن شناخت. صدام را بخاطر آنکه به ضدانقلاب کرد کمک میکند، دوست انقلاب و سوریه را بدلیل آنکه، دوست جمهوری اسلامی ایران است، دشمن انقلاب نامید.

روشن است که با اینگونه ضوابط و معیارهای مخدوش، غیرواقعی و ذهنی نمیتوان جبهه انقلاب و ضدانقلاب را یکدیکر جدا ساخت. مرز بین دوستان و دشمنان انقلاب از موضع طبقاتی آنان میگذرد. یک سرمایه دار وابسته و یا یک زمیندار بزرگ اگر روزی صدمه از رکمت نماز هم بخواند، دشمن انقلاب است و یک کارگر ارمنی و یا زحمتکش بیودی، که اصولا باسلام معتقد نیست، اما انقلاب ایران را حامی خود میداند، دوست انقلاب ایران است.

انقلاب، جهانی شده است و ضدانقلاب نیز

ضدانقلاب داخلی و خارجی میکوشد که مرز بین دوستان و دشمنان خارجی انقلاب را در فکر برده درهم ریزند. ما پارها درباره نظریه «دو ابرقدرت» و مخالفت هر دو ابرقدرت با انقلاب ایران و «فلاش مسکو برای دستیابی به منابع نفت خلیج فارس و آبهای گرم و سایر مسائلی از این قبیل، که همه ساخته و پرداخته دستگاه تبلیغاتی امپریالیستی است و هدف آنان، طبق رهنمود پرژونسکی، منفرود ساختن ایران از کشورهای سوسیالیستی و ایراد ضربه نهایی بر انقلاب ماست، سخن گفته ایم و نیازی به تکرار آن سخنان نمی بینیم. همه این سخن توریها و اندیشه باقی ها که هدف را دنبال میکنند و آن: ایجاد تحول در آرایش نیروهای اجتماعی بود طبقات ضدانقلابی است. نمیتوان انکار کرد که هنگامی و هنگامی برخی از نیروهای ناآگاه، ولی مومن به انقلاب، با تبلیغات دشمن در زمینه برهم زدن مرز انقلاب و ضدانقلاب، عملا میدان فعالیت طبقات ضدانقلابی را وسیعتر و امکانات آنان را برای جلب نیروی های طبقاتی که هم از ادواگه ضد انقلاب بیشتر کرده است. هستند کسانی که انقلاب ایران می کنند که ضدانقلاب گمان به دوستان خارجی نیاز ندارد و با ایثار و فداکاری میتواند تسمام دشواریها و موانعی را که امپریالیسم بر سر راه آن ایجاد میکند، از میان بردارد. بیشک آدامگی برای جانپزایی و فداکاری در راه انقلاب بزرگترین عامل پیروزی هر انقلابی بوده و هست. اما تاریخ نیز قهرن اخیر اثبات میکند که در مقابل دشمن بیرونی و حیلگری چون امپریالیسم، که در برابر هر انقلابی، با تمام نیرو از ضدانقلاب داخلی پشتیبانی

بقیه از صفحه ۱

برخی دیگر کم از موضع پشتیبانی فعال از انقلاب، بوضع بیطرفی لایقانه نسبت به ضدانقلاب درنگلیده اند. دلیل این چابقتی، از یکسو اقدامات ضدانقلاب داخلی و خارجی در جهت ایجاد موانع در سر راه انقلاب (محاصره اقتصادی، جنگ تحمیلی، تحریکات داخلی و غیره) و از سوی دیگر عمل و تأخیر در انجام خواسته های مشروع طبقاتی است که نیروی حرکت دهنده انقلاب را تشکیل میدهند. انقلاب اگر پیوسته بر صفوف دوستان خود از میان نیروهای مردمی یثباتی آید و با این وظیفه بزرگ پدید بر اعشای بنگرد، راه را برای فعالیت ضدانقلاب کشوده است.

این وظیفه بزرگ انقلاب را هر چه پایدار میتوان انجام داد؛ ضابطه ها و معیارها کدامند؟ مرزها از کجا میگذرد؟ آیا میتوان بین نیروهای انقلابی و ضدانقلابی بر حسب معتقدات مذهبی مرز کشید؟ سرمایه داری لیبرال ایران، که هم اکنون نطفه ضدانقلاب در درون آن بسته میگردد، میکوشد تا بخشی از گروهها و اقشار مردم را با نام اسلام، به ذخیره خود تبدیل کند ولی آیا میتوان اعتقاد مذهبی را ضابطه تشخیص انقلاب و ضدانقلاب قرار داد؟ نسبتاً تاریخ تمام انقلابهای گذشته، بلکه تاریخ همین سال و اندی که از انقلاب ایران میگذرد، پرورش نشان میدهد که اگر ما چنین مرز مصنوعی را بعنوان ضابطه بپذیریم، آشفتگی عظیمی در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب پدید می آید. زیرا در آن صورت باید ناگزیر پیروان خط امام را در پیروی اعضای حزب خلق مسلمان و لیبرال های اسلامی، جدا دهم.

انقلاب، از اهداف بود که ضد انقلاب و گروه های چاقادار در سال گذشته آنرا دنبال کردند و با زبانه متأسفانه، بواسطه عدم برخورد قطعی به این مسئله، با این رهگذر ضربات جدی بر یکدیگر قانون و حاکمیت قانون وارد گشت. سال گذشته، سال تجربه این واقعیت بود که نقض حاکمیت قانون، ولو بطور جزئی، نمی تواند منجر به نقض گسترده قانون و برانگیختن حاکمیت قانون نگردد که امنیت قضائی تجزیه ناپذیری است و گسائیکه تصور می کنند می توان تسامین امنیت قضائی و رعایت قانون را در یک مورد نادیده گرفت، بیشک چه بخواهند چه نخواهند به نقض امنیت قضائی و قانون در مقیاس وسیع کمک کرده اند.

«حاکمیت قانون» در مورد آزادی احزاب و گروه های سیاسی و روزنامه ها، کتابفروشی ها، نخست و پیش از همه، در مورد حزب توده ایران نقضی نادیده گرفته شد. ضدانقلاب پرورد

«اقدام به این قبیل اعمال، علاوه بر اینکه خلاف مقررات جاری و مثل امنیت قضائی و تضعیف ارگانهای مملکتی است، مخالف نص صریح قانون اساسی و مصالح عالی کشور و دستور قرآن کریم است و این قبیل اعمال مظننه بانه خوب و زمینه مساعدت است که ضدانقلاب زیر پوشش آن نيات و افکار و نقشه های شوخ خود را عملی سازند.

اما پس از گذشت ۷ ماه از ایراد این سخنان، متأسفانه هنوز دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفاتر حزب و نامه مردم، در اختیار صاحب اصلی آن قرار نگرفته اند.

بنظر ما یکی از مهمترین عمل نقض گسترده حاکمیت قانون از سوی ضدانقلاب، آن بوده است که مقامات مسئول بجای آنکه برای مقابله با تهاجم گستاخانه ضد انقلاب، در عمل گفتار نشان دهند، تنها به اظهار نظر بسنده کرده اند و این امر خود به تخریب ضدانقلاب کمک کرده و به اعتبار دستگاه حافظ قانون لطمه زده است.

تاکید رهبر انقلاب بر ضرورت تأمین «حاکمیت قانون» در سال جدید و تمکین متخلفین از قانون، که برای سرنگونید انقلاب اهمیت اساسی دارد، علی طبعی که حافظین و مجریان قانون با جدیت و با قطعیت بیشتری وظایف خود را بیکتری کنند، آثار و عواید قانون شکنی را، که بیش از همه ضدانقلاب از آنها بهره برده است، بزداید، به تاخت و تاز گستاخانه و اوباشان ضدانقلابیونی که علیه قانون توطئه می کنند، خامه دهند، ریشه های پدید زشت چاقاداری را، که در نهایت به کجنام سوسان منبأ و ضد انقلاب ختم میشود، بچخشند. قانون انقلاب را برکنور جاری سازند.

انتظار ما از مقامات مسئول آنست که در سال حکومت قانون، دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفاتر حزب و نامه مردم، تهران و شهرستانها را که در سال گذشته برخلاف قانون مورد هجوم قرار گرفته و اشغال شده اند، بیدرنگ به صاحب اصلی آن - حزب توده ایران - بازگردانند.

انقلاب، از اهداف بود که ضد انقلاب و گروه های چاقادار در سال گذشته آنرا دنبال کردند و با زبانه متأسفانه، بواسطه عدم برخورد قطعی به این مسئله، با این رهگذر ضربات جدی بر یکدیگر قانون و حاکمیت قانون وارد گشت. سال گذشته، سال تجربه این واقعیت بود که نقض حاکمیت قانون، ولو بطور جزئی، نمی تواند منجر به نقض گسترده قانون و برانگیختن حاکمیت قانون نگردد که امنیت قضائی تجزیه ناپذیری است و گسائیکه تصور می کنند می توان تسامین امنیت قضائی و رعایت قانون را در یک مورد نادیده گرفت، بیشک چه بخواهند چه نخواهند به نقض امنیت قضائی و قانون در مقیاس وسیع کمک کرده اند.

«حاکمیت قانون» در مورد آزادی احزاب و گروه های سیاسی و روزنامه ها، کتابفروشی ها، نخست و پیش از همه، در مورد حزب توده ایران نقضی نادیده گرفته شد. ضدانقلاب پرورد

«اقدام به این قبیل اعمال، علاوه بر اینکه خلاف مقررات جاری و مثل امنیت قضائی و تضعیف ارگانهای مملکتی است، مخالف نص صریح قانون اساسی و مصالح عالی کشور و دستور قرآن کریم است و این قبیل اعمال مظننه بانه خوب و زمینه مساعدت است که ضدانقلاب زیر پوشش آن نيات و افکار و نقشه های شوخ خود را عملی سازند.

اما پس از گذشت ۷ ماه از ایراد این سخنان، متأسفانه هنوز دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفاتر حزب و نامه مردم، در اختیار صاحب اصلی آن قرار نگرفته اند.

بنظر ما یکی از مهمترین عمل نقض گسترده حاکمیت قانون از سوی ضدانقلاب، آن بوده است که مقامات مسئول بجای آنکه برای مقابله با تهاجم گستاخانه ضد انقلاب، در عمل گفتار نشان دهند، تنها به اظهار نظر بسنده کرده اند و این امر خود به تخریب ضدانقلاب کمک کرده و به اعتبار دستگاه حافظ قانون لطمه زده است.

تاکید رهبر انقلاب بر ضرورت تأمین «حاکمیت قانون» در سال جدید و تمکین متخلفین از قانون، که برای سرنگونید انقلاب اهمیت اساسی دارد، علی طبعی که حافظین و مجریان قانون با جدیت و با قطعیت بیشتری وظایف خود را بیکتری کنند، آثار و عواید قانون شکنی را، که بیش از همه ضدانقلاب از آنها بهره برده است، بزداید، به تاخت و تاز گستاخانه و اوباشان ضدانقلابیونی که علیه قانون توطئه می کنند، خامه دهند، ریشه های پدید زشت چاقاداری را، که در نهایت به کجنام سوسان منبأ و ضد انقلاب ختم میشود، بچخشند. قانون انقلاب را برکنور جاری سازند.

انتظار ما از مقامات مسئول آنست که در سال حکومت قانون، دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفاتر حزب و نامه مردم، تهران و شهرستانها را که در سال گذشته برخلاف قانون مورد هجوم قرار گرفته و اشغال شده اند، بیدرنگ به صاحب اصلی آن - حزب توده ایران - بازگردانند.

تولید و تلاش برای دستیابی به خود کفایی، ضرورت مبارزه با امپریالیسم است

کارگران «کارخانه اجاق گازسازی تهران لعاب» در حال رزم در دو جبهه کار و وپیکار

امپریالیسم آمریکا، طی سالهای دراز سلطت غارتگرانه خویش بر ایران، در تمام نوار بود جامعه مارشال دست و پا کرده است. تمامی رزمه ها خود را مستقر کرده است. در این میان واسطی اقتصادی، مهم ترین بخش، واسطی ایران است. واسطی که در تمام نوار بود انقلاب شکوهمند مردم ایران و وارثین شدن رژیم سر - سرده پهلوی، دولت امپریالیستی، با استفاده از نیروی واسطی اقتصادی برای مغز و پا آوردن جمهوری اسلامی ایران را محاصره اقتصادی کرده است.

کارگر دیگری نام غلام گفت: «ما اینجا ما تولید اجاق گاز را می کنیم که در ایران رزمه خود کفایی خود را می بینیم». او ادامه می داد: «تمام قسمت های اصلی اجاق گاز در ایران ساخته می شود و فقط قسمت جزئی آن از قبیل دستگیره و شیر گاز از ران وارمی شود. در حالی که کارگران ایرانی خیلی راحت می توانند اجاق گاز را در داخل کشور بسازند. از آنجاکه کارفرمایان خواهند بود این خود کفایی کارکنی کند، این نفعات را از آنجا وارد می کنند».

طبع کارگران ایران برای مقابله با تحریم اقتصادی، تلاش کم نظیر در حوزی تخصصی ایرانی و واسطی اقتصادی آغاز کرد. سوزن، پیس از حاور نظامی رزمه خود، کارگران تمام توان خویش را برای تولید هر چه بیشتر در مراکز تولیدی کشور بکار بردند. کارگران کارخانه «اجاق سازی تهران لعاب»، گروهی از همین صنعتگران انقلابی هستند که با تولید بیشتر اجاق گاز، سهم خود را امپریالیست ها و تجاوزگران مارشالی - کند.

در این باره کارگران می گویند: «ما با این نفعات و دستمزدها که در اختیار ما قرار داده اند، به سبب مشکلات گوناگون زندگی نمی توانیم در کارگاه حاضر شویم و کار را به جا می آوریم. این نوع کار، که معمولاً دوختن لباس نوزاد است، برخلاف دقت و ظرافتی که لازم دارد، منطقی ناخبره عنوان دستمزد دادن تلقی می گردد. در کارگاه ها، کارهایی که به زنان سپرده می شود، بطور عمدت «حرکت کاری» مادی و زنی است. «لائی جسانی» «زنگارک دوری» و «انگوری است» شکل پرداخت دستمزد بصورت کارمندی و در سطح نازل است. با طوری که یک کارگر خیره بر قیمت متواضعانه ای ۴۰۰ تومان مزد بگیرد. شکل کارمندی پرداخت حقوق اجاب می کند که کارفرما در روزهای استعفاء و تعطیل فوق العاده را باید در غارت بیرونتاز زندگی، کارگران بسیاری را

برای اطلاع از وضعیت کارگران ما می توانیم به «تولیدی» علی آقا، رن کارخانه، گفت: «ما با این نفعات و دستمزدها که در اختیار ما قرار داده اند، به سبب مشکلات گوناگون زندگی نمی توانیم در کارگاه حاضر شویم و کار را به جا می آوریم. این نوع کار، که معمولاً دوختن لباس نوزاد است، برخلاف دقت و ظرافتی که لازم دارد، منطقی ناخبره عنوان دستمزد دادن تلقی می گردد. در کارگاه ها، کارهایی که به زنان سپرده می شود، بطور عمدت «حرکت کاری» مادی و زنی است. «لائی جسانی» «زنگارک دوری» و «انگوری است» شکل پرداخت دستمزد بصورت کارمندی و در سطح نازل است. با طوری که یک کارگر خیره بر قیمت متواضعانه ای ۴۰۰ تومان مزد بگیرد. شکل کارمندی پرداخت حقوق اجاب می کند که کارفرما در روزهای استعفاء و تعطیل فوق العاده را باید در غارت بیرونتاز زندگی، کارگران بسیاری را

در مورد سندی کارگران رسیدیم. در پاسخ گفت:

«ما با نفعات سندی کارگران رزم، در صورتی که با ایجاد سندی می توانیم حق خودمان را از کارفرماها بگیریم. ولی تاکنون بدون دلیل این کار انجام نشده است. یکی اینکه کارگران هنوز آنچنان که باید با هم متحد نیستند. دیگری اینکه صاحب کارخانه همیشه با ما استفاده از نیروی ما، با زور و تهدید از این کار جلوگیری کرده است. اگر ما با هم متحد باشیم، حتما موفق خواهیم شد».

علی آقا در مورد بیمه گفت: «صاحب کار در مورد بیمه شدن ما در تاجیکستان می گویند. من تلاس می کنم. دستمزد ما در لیست بیمه شدگان نمی نویسد. وقتی علت را از او جویا می شوم، می گویند: «تو اطلاعات کارگری را نمی دانی! خوب اگر من اینجای کارسوزی گرفتم، از کار بول دارم و دکتر را می آورم».

وی سپس مادرک لحظات خطر کنونی، درباره شیوه دستیابی کارگران به حقوق حق خویش، اظهار داشت: «در دوران طاغوت، اصلاحیه وضع کارگران توجیه نمی کردند و اکثر اعتراض می کردیم، فورا ما را تحویل ساواک می دادند. ولی بعد از انقلاب وضع تغییر کرده است. دولت خود می خواهد به کارمندی کند، ولی فعلا درگیر جنگ با امپریالیسم است. ما نباید با اعتصاب و با کم کاری باعث توقف تولید شویم و به انقلاب زسان برسیم».

علی آقا پرسیدیم: «از انقلاب راضی هستید؟» او در پاسخ گفت: «البته که راضی هستم. ما خودمان انقلاب کردیم و این دولت هم دولت خودیاست و می خواهد برای ما کار کند، ولی ضد انقلاب در داخل و خارج کشور، مشغول توطئه جینی برای سرنگون کردن دولت است».

در این باره کارگران می گویند: «ما با این نفعات و دستمزدها که در اختیار ما قرار داده اند، به سبب مشکلات گوناگون زندگی نمی توانیم در کارگاه حاضر شویم و کار را به جا می آوریم. این نوع کار، که معمولاً دوختن لباس نوزاد است، برخلاف دقت و ظرافتی که لازم دارد، منطقی ناخبره عنوان دستمزد دادن تلقی می گردد. در کارگاه ها، کارهایی که به زنان سپرده می شود، بطور عمدت «حرکت کاری» مادی و زنی است. «لائی جسانی» «زنگارک دوری» و «انگوری است» شکل پرداخت دستمزد بصورت کارمندی و در سطح نازل است. با طوری که یک کارگر خیره بر قیمت متواضعانه ای ۴۰۰ تومان مزد بگیرد. شکل کارمندی پرداخت حقوق اجاب می کند که کارفرما در روزهای استعفاء و تعطیل فوق العاده را باید در غارت بیرونتاز زندگی، کارگران بسیاری را

برای اطلاع از وضعیت کارگران ما می توانیم به «تولیدی» علی آقا، رن کارخانه، گفت: «ما با این نفعات و دستمزدها که در اختیار ما قرار داده اند، به سبب مشکلات گوناگون زندگی نمی توانیم در کارگاه حاضر شویم و کار را به جا می آوریم. این نوع کار، که معمولاً دوختن لباس نوزاد است، برخلاف دقت و ظرافتی که لازم دارد، منطقی ناخبره عنوان دستمزد دادن تلقی می گردد. در کارگاه ها، کارهایی که به زنان سپرده می شود، بطور عمدت «حرکت کاری» مادی و زنی است. «لائی جسانی» «زنگارک دوری» و «انگوری است» شکل پرداخت دستمزد بصورت کارمندی و در سطح نازل است. با طوری که یک کارگر خیره بر قیمت متواضعانه ای ۴۰۰ تومان مزد بگیرد. شکل کارمندی پرداخت حقوق اجاب می کند که کارفرما در روزهای استعفاء و تعطیل فوق العاده را باید در غارت بیرونتاز زندگی، کارگران بسیاری را

در مورد سندی کارگران رسیدیم. در پاسخ گفت:

«ما با نفعات سندی کارگران رزم، در صورتی که با ایجاد سندی می توانیم حق خودمان را از کارفرماها بگیریم. ولی تاکنون بدون دلیل این کار انجام نشده است. یکی اینکه کارگران هنوز آنچنان که باید با هم متحد نیستند. دیگری اینکه صاحب کارخانه همیشه با ما استفاده از نیروی ما، با زور و تهدید از این کار جلوگیری کرده است. اگر ما با هم متحد باشیم، حتما موفق خواهیم شد».

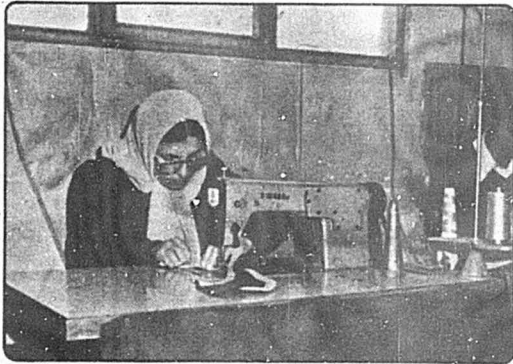
علی آقا در مورد بیمه گفت: «صاحب کار در مورد بیمه شدن ما در تاجیکستان می گویند. من تلاس می کنم. دستمزد ما در لیست بیمه شدگان نمی نویسد. وقتی علت را از او جویا می شوم، می گویند: «تو اطلاعات کارگری را نمی دانی! خوب اگر من اینجای کارسوزی گرفتم، از کار بول دارم و دکتر را می آورم».

وی سپس مادرک لحظات خطر کنونی، درباره شیوه دستیابی کارگران به حقوق حق خویش، اظهار داشت: «در دوران طاغوت، اصلاحیه وضع کارگران توجیه نمی کردند و اکثر اعتراض می کردیم، فورا ما را تحویل ساواک می دادند. ولی بعد از انقلاب وضع تغییر کرده است. دولت خود می خواهد به کارمندی کند، ولی فعلا درگیر جنگ با امپریالیسم است. ما نباید با اعتصاب و با کم کاری باعث توقف تولید شویم و به انقلاب زسان برسیم».

علی آقا پرسیدیم: «از انقلاب راضی هستید؟» او در پاسخ گفت: «البته که راضی هستم. ما خودمان انقلاب کردیم و این دولت هم دولت خودیاست و می خواهد برای ما کار کند، ولی ضد انقلاب در داخل و خارج کشور، مشغول توطئه جینی برای سرنگون کردن دولت است».

گذری به کارگاههای تولید پوشاک

دعوی ما با آمریکا است: کارگران!



با وجود همه معروفیتها کار می کنیم و پیروز می شویم

کارگاه های تولید پوشاک، که در سطح شهر تهران بسازند، از آغاز وضع جرحهای خویش را با کار می اندازند و تا پایان روز کارهایشان را به کار ادامه می دهند.

در این «تولیدی» ها معمولاً به تفاوت از بیج نیست کارگر، کار می کنند که در این رزمه خود کفایی خود را می بینیم. او ادامه می داد: «تمام قسمت های اصلی اجاق گاز در ایران ساخته می شود و فقط قسمت جزئی آن از قبیل دستگیره و شیر گاز از ران وارمی شود. در حالی که کارگران ایرانی خیلی راحت می توانند اجاق گاز را در داخل کشور بسازند. از آنجاکه کارفرمایان خواهند بود این خود کفایی کارکنی کند، این نفعات را از آنجا وارد می کنند».

بدین صورت، که با سطحها با جراح همراه با سفارش دوخت به کارگاهها می دهند و در هنگام تحویل، ساعت در دست لباس مقدار معینی به صاحب کارگاه پرداخت می کنند. در حقیقت صاحبان کارگاهها نیز تحت فشار واسطهها هستند. بعضی سرایستادن مداوم، بسیاری از ریسک در بین این کارگران بسیار است. ولی کارگران این واحدها، علیرغم همه مسائل، چاره ای جز ندادن کار ندارند. زیرا خیلی عظیم ارتش بیگاران مترصدند که حیای آنان را بربایند.

محور می کند که در روزهای تعطیل نیز کار بردارند. علاوه کارگران هیچ - کوسه تا مین نمی ندارند، زیرا کارفرمایان برای اینکه کارگران رسمی نباشند، قراردادهای کوشه مدت با کارگران منعقد می سازند و هر چند ماه یکبار آنرا تمدید می کنند. بدین صورت کارگران «تولیدی» ها حتی از حداقل مزایای که شامل حال دیگر کارگران می شود، از قبیل استفاده از بیمه های اجتماعی، استفاده از مرخصی، رعایت حداقل دستمزد و حداقل ساعت کار نیز محرومند.

وجود این شرایط غیر انسانی کار و استعمار فوق العاده را باید در غارت بیگاران و واسطهها جستجو کرد.



کارگران خردسال: هست نیست ما فدای انقلاب

کارگران «تولیدی» ها، علیرغم شرایط نامساعد کار، در شرایط با شک و تحمیلی صدام، حاضر به هرگونه همکاری در جهت حربه و در صورت لزوم در خط مقدم حربه هستند. جعفر، کارگر ۲۳ ساله کارگاه نمونه در ایستگاه می گوید: «ما با این نفعات سندی کارگران رزم، در صورتی که با ایجاد سندی می توانیم حق خودمان را از کارفرماها بگیریم. ولی تاکنون بدون دلیل این کار انجام نشده است. یکی اینکه کارگران هنوز آنچنان که باید با هم متحد نیستند. دیگری اینکه صاحب کارخانه همیشه با ما استفاده از نیروی ما، با زور و تهدید از این کار جلوگیری کرده است. اگر ما با هم متحد باشیم، حتما موفق خواهیم شد».

علی آقا در مورد بیمه گفت: «صاحب کار در مورد بیمه شدن ما در تاجیکستان می گویند. من تلاس می کنم. دستمزد ما در لیست بیمه شدگان نمی نویسد. وقتی علت را از او جویا می شوم، می گویند: «تو اطلاعات کارگری را نمی دانی! خوب اگر من اینجای کارسوزی گرفتم، از کار بول دارم و دکتر را می آورم».

وی سپس مادرک لحظات خطر کنونی، درباره شیوه دستیابی کارگران به حقوق حق خویش، اظهار داشت: «در دوران طاغوت، اصلاحیه وضع کارگران توجیه نمی کردند و اکثر اعتراض می کردیم، فورا ما را تحویل ساواک می دادند. ولی بعد از انقلاب وضع تغییر کرده است. دولت خود می خواهد به کارمندی کند، ولی فعلا درگیر جنگ با امپریالیسم است. ما نباید با اعتصاب و با کم کاری باعث توقف تولید شویم و به انقلاب زسان برسیم».

علی آقا پرسیدیم: «از انقلاب راضی هستید؟» او در پاسخ گفت: «البته که راضی هستم. ما خودمان انقلاب کردیم و این دولت هم دولت خودیاست و می خواهد برای ما کار کند، ولی ضد انقلاب در داخل و خارج کشور، مشغول توطئه جینی برای سرنگون کردن دولت است».

علی آقا پرسیدیم: «از انقلاب راضی هستید؟» او در پاسخ گفت: «البته که راضی هستم. ما خودمان انقلاب کردیم و این دولت هم دولت خودیاست و می خواهد برای ما کار کند، ولی ضد انقلاب در داخل و خارج کشور، مشغول توطئه جینی برای سرنگون کردن دولت است».

کار راه اندازی «کارخانه لوله سازی خوزستان» باید دوباره از سر گرفته شود

کارخانه لوله سازی خوزستان، یکی از واحدهای مدرن لوله سازی در جهان است. این کارخانه از پیروزی انقلاب با مشکلاتی روبرو شد و بناچار کار تولید آن متوقف ماند. قبل از انقلاب کارخانه توسط فردی نامشمارت اداره می شد، که همچون دیگر اعضا «مزار فاسیل» یا پیروزی انقلاب محصور فرارند. کشور طرف قرارداد کارخانه، آلمان فدرال است. تا قبل از انقلاب حدود ۹۰٪ کارمندان کارخانه به پایان رسید بود، ولی بعد از انقلاب، سرمایه داران آلمانی به بهانه های گوناگون مانع از نصب کارخانه شدند: گاهی به بهانه عدم امنیت، زمانی به بهانه «گروگان گیری» و مدتی هم به بهانه جنگ، با اینکه تا قبل از آغاز جنگ، ایران تا مدتی برای کارخانه ابرو داشته بود با این حال، آلمان فدرال به قصد خود عمل نکرد.

کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان چند ماهی بود که حقوقی دریافت نکرده بودند. مثلا در مهر ماه



مردم بر لوله ها!

مستولان امری با قدرت کامل در امر راه اندازی کارخانه، اقدامات لازم را بعمل آوردند، تا اول کارگران به سر کار خود بازگردند، تا آنها با سرمایه انداختن کارخانه میتوان بسیاری از نیازمندی - های داخلی رافع کرد.

۱۳۹۴، سردبیر این مجله گفت و گوئی با رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران انجام داد. گفت و گو در محیطی باز و بی پرده برگزار شد. رفیق کیانوری به پرسشهای متعددی که از سوی سردبیر مجله مطرح شد، پاسخ گفت. بخش اول این گفت و گو روز دوشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۹۰ در شماره ۲۳۷ مجله «جووانان امروز» به چاپ رسید و ما نیز یغش اول آن را که از روی نوار پیاده کرده ایم، در زیر به چاپ می رسانییم. یغش بعدی این گفت و گو در هفته آینده درج خواهد شد.

س: بسم الله الرحمن الرحيم. قبل از اینکه جوابات را مطرح کنم می خواستم شما یک مختصری از مشخصات خودتان و خصوصیات زندگیتان را برای خواننده های ما بگویید؟

ج: زندگی من خیلی ساده است. یک روشنفکر عادی کشورمان هستم که در نتیجه رنجی که از درد تاریخی توده های محروم ده ها میبوی ایران می کشیدم، به فکر این افتادم که چه حوزی می شود این را جاره کرد و در جستجو برای اینکه راه چاره ای پیدا کنم برای پایان بخشیدن به این رنج تاریخی به این راهی که الان دنبال می کنم رسیدم. و عقیده دارم که این نگاه راهی هست که بطور قطع و بطور مسلّم می تواند به بدستخالی های جامعه ما خاتمه دهد و راهگشای واقعیت شگرفی منهن ما شود. این زندگی من هست. من بطور خیلی ساده.

س: منظرم بیشتر زندگی خصوصیات بود، سن و سال، وضع تحصیلات...

ج: من از آن ۶۵ ساله ام. (س- میزان تحصیلات؟) اینها دیگر مهم نیست. سبب، بعضی علاقه دارم به اینکه می گویند من چه هستم و اینها هم هستم. بزرگترین موفقیت زندگی من این است که توانستم در این راهی که فکر می کنم خدمت به جامعه ایران هست، تا حدودی یک فرد مؤثر باشم. این بزرگترین موفقیت من هست. تمام سبب های که من گرفته ام و تمام وجودی های علمی عنوان است که کار حسنی در زندگی ما بوده است. اینها همایش را ما گذاشتیم کار و دیگر ما آنها سرکاری نداریم. علت وجودی زندگی ما همین مبارزات سیاسی است که الان انجام می دهیم. به این جهت است که خیال می کنم ما هم چهار جوب سالم هستیم اما اینکه شرح حال و گفتار نوشتن و از این جریا.

س: سؤال بعدی من این بود که فرار بر این بود که من ۴ ماه سئوال که مطرح کرده بودیم، این سئوالها به صورت کمی جواب داده شود. می خواستم بپرسم چه باعث شد که شما ترجیح دادید اینها نفاهی انجام شود؟

ج: اول شما مطرح کرد و بودید که گفتگوی شفاهی باشد برای اینکه شما نتوانید وسط توضیحاتی که من می دهم سئوالهای مطرح کنید سئوالها شما چون نظرها سئوالها نالی شود، به این جهت ما فکر کردیم که این شکل بهتر و کاملتر باشد. چون اگر ما می نوشتیم، ممکن بود که شما در این باره با آن باره بکنسولواصافی داشته باشید که آنوقت نمی شد آن را بگوید. یک طرفه بود. این طور امکان بیشتری خواهد داد. شما گفتگوی ما را می توانید پیاده کنید. می توانید سئوال اضافی بدهید که من جواب دهم که هیچ چیزی ساخته نماند. خیال نمی کنید که این بهتر هست؟

س: چرا بهتر است. من همون سر سئوالها است. اینها بیرون چهارتا سئوالی که قبلا هم بصورت کتبی مطرح شده بود. می پرسم و درین حرجا لازم نیست سئوالهای دیگر را مطرح می کند. سئوال اول این بود

انتقاد می کند و این برخوردها هم انجام می گیرد. اگر از این حد بگذرد یعنی به موضع گیری این حزب با آن حزب. به مجموعه جنبش کارگری و کمونیستی صدمه بین المللی بزند. آن وقت دیگر موضع گیری ها علنی می شود. مثل موضع گیری که خیلی از احزاب کمونیستی دارند نسبت به عمل کرد حزب کمونیست چین. این یعنی چه؟ یعنی الان در بخش عمده احزاب کمونیستی و کارگری در سمت گیری های کلی جهانی و ایدئولوژیک بین آنها موافقت، همگامی و همکاری وجود دارد. اگر در مسائل فرعی، مطالبی باشد که لازم باشد درباره آن ها گفتگو شود بحث بشود، انتقاد بشود. این بحث های است که همان اتحادیه کارگری احزاب می گیرد و به عقیده من کاملا طبیعی و قابل فهم هست. این تصور که اگر شد فرضا "انتقادی دانشمندان را علنی مطرح نکردید، منبایش این است که از آن ها تمعیت می کنید. نا- درست است. این مسئله تمعیت دانشان خیلی طولانی در تاریخ دارد. یعنی همیشه نیروهای ارتجاعی، مخصوص نیروهای حاکم، به مخالفین خودشان این مارک را زدند که شما با یک نیروی خارجی هم دست هستید. منو بهای تاریخی آن را بارها گفتیم مثلا "فردوسی و پرونی"، دانشمند معروف خود را و آتش زدند به عنوان اینکه تو با فرانسوی ها رابطه داشته ای علیه قدرت حاکمه ایتالیا، یا ویکتور هوگو که هجده سال تبعید بود در بلژیک و آنهاش این بود که ماوس انگلیس هاست. دستگا ما که ما میسوم به این آزادی خواه بزرگ و منو برپست فرانسوی اینهم می زدند که ماوس انگلیس هاست، یا به لندن اینهم

ج: ما این شعار را از اول نگرفتیم این مال این تاریخ نیست. شما اگر نگاه کنید از اولی که ما در باره انقلاب صحبت کرده ایم، همیشه گفته ام انقلاب شکوهمند ایران، چون ما فکر کردیم اگر می گفتم زنده باد انقلاب اسلامی ایران، به ما چه می گفتند؟ می گفتند شما در روسی می کنید. شما در روسی می گوید، اتهامات دیگری از نوع دیگر به ما می زدند. این به تمام معنی صدقات ماست که ما اینجاروش

س: برای این که گروه های هم دخالت داشتند بی بحث تأیید یا تکذیبش را بکنم، یادم هست همان انقلاب بود، گروهی از های انجمن های اسلام دانشگاهها در کیهان متده بودند در اعتراض به مشی که در آن زمان بر کرد. ما امام روحوم الله طالقانی تشرف دادیم بودند آنجا. ایشان بکه می زد در رابطه با همین گروهها در انقلاب که مده خیلی خوبی است و به ما من مثال می نیست. اما فقر را می برد فرضا تشرف غلام. ایشان بگویند می یک نفر از این نوکر می بود آقا شا جقدر حقوق می می گوید من و ارباب ما هر دیگر صدیک تومان می گویند این می خواست بگویند بغرض هم که گروهها در انقلاب بهم دارند اما سبب به چه میزان است؟ آن قدر هست که یک نظام خاص خودشان را بتوانند بسازند؟ یا حداقل بتوانند بزرگترین انگیزه بپیدا انقلاب را در شعار بخواه آن بگردند؟ مثلا آیا دروزی این فرصت یا اجزا هست که آن وقت کمونیست از آن گرفته شود، از آن انفا یا صفت سوسیالیستی گرفته بشود؟ یا آن گروه شکل برخورد می کنند؟

نیروهای ارتجاعی همیشه به مخالفان خود برچسب همدمستی با یک نیروی خارجی را زده اند: به جوردانو برونو، به ویکتور هوگو، به لنین، و به همین دولت و اکثریت کتونی مجلس اسلامی ایران!

زندگی که ماوس المانهاست. ماوس امیرالبرزم المان است، کسی که کمب گذاشته بر سر پای تمام امیرالبرزم و آن را منقر کرد. حالا ما جای دورنی- روس، رورامه "نجر" سازندم سبب ها را بخوانید. عین این مسئله در آن هست: "این حاکم سازشکار را روس، به کی این را می گوید؟ به تمام حاکمیت کتونی، به دولت آقای رجایی و اکثریت مجلس آنها همما روس ساخته است: عین این مسئله به تمام صراحتش. یعنی چه؟ یعنی به شما منوی اینک را ادبوی جختار را شما بسنجید با رادبوی استوسید یا رادبوی آمریکا را استوسید یا سی را شنوید. عین اتهاماتی که به حزب توده ایران چهل سال است دارند می بزنند، به دولت کتونی و به اکثریت مجلسی که در مقابل خواسته های ارتجاع، در مقابل خواست های ضد- انقلاب، خواست های امپریالیسم فاشیستی می کشند. البته اسن اتهامات جانت است، ولی تا زمانی که امپریالیسم در دنیا هست، این اتهامها هم تکرار خواهد شد.

س: در همین رابطه آیا شما می خواهید بفرمایید که سبب سبب اصلی را برای انقلاب، یعنی فکری می کنید اسلام در این انقلاب پس چه نقشی داشته، جیمپوری اسلامی ایران، وقتی شما صفت برای انقلابیست را حذف کنید، آنوقت جمهوری و این را هم می توانید حذف کنید.

ج: نه، سبب جمهوری اسلامی ایران نام یک کشور است. نام رسمی یک کشور است.

س: سؤال بعدی من در رابطه با سؤال قبلی است که گفته شد تاریخی حزب شما و بعضی از نمودهای که این حزب مثلا "در برهنگونی دارد، نشان دهنده نوعی ارتباط هست بین حزب و روسیه شوروی، بدون اینکه این ارتباط صورت برابری و برابری داشته باشد. یک نمونه خیلی ساده برایتان بگویم، سببیم شما بجهت تکلیف می کشید. در همان موقعی که سفارت ایران در مسکو اعلامیه می دهد که بعضی از ارگان های روسیه شوروی سیا خورگروهای خارجی مستقر در این کشور، صفت اسلامی

رفیق نورالدین کیانوری:

احزاب کمونیست و در سیاست خود کاملاً

گفتگویی با سردبیر

به سوسیالیسم علمی هم نام بردید.

ج: خوب جزیک های فدا حزب توده ایران، انواع و اقسام های که الان رفتند، گروه های مذهبی مثل جبهه ملی، جبهه همعلمان مذهبی نیستند. سیاست مذهبی نیست، سیاست است. این گروهها هم در انقلاب داشته اند همین نبض آزادی خودش را مذهبی کامل می دادند، دیگری هم درش دخالت داشتند. یعنی برجش اسلامی نیست برپست شناخته اند در چهارچوب این قراردادها شناختان را تنظیم می کنند.

س: بگذارید سئوالی را بپرسم: صریح انجام بدهم. همین قانون اساسی انقلاب را با صفت اسلامی گذاشتند و در مقدمه در تمامی اولش آمده که این اسلام بوده که موجد این انقلاب بوده. حالا شما که اگر کلتش را قبول دارید و در بعضی جاها انتقاد دارید، ممکن است صراحت بگویید که کدام قسمت هایش انتقاد دارید؟

ج: ما نظریان را در باره محتوای انقلاب ایران، علت انقلاب، و این که حسه اسلامی انقلاب فوق العاده قوی بوده در مقابل خیلی مفصل دادیم. اینها را در یک جمله دو جمله نمی شود گفت. ما تمام تحلیلها را در اختیار شما می توانیم بگذاریم. تحلیل کمیته مرکزی حزب توده ایران را که بلافاصله بعد از انقلاب تنظیم شد.

س: بین آن قسمت که شما نقل می کنید اسلام نیست؟

ج: ما اسلام را نقل نمی کنیم؟

س: پس چی؟

ج: سببیم من دبار گتم. اگر ما بگویم زنده باد انقلاب اسلامی ایران، اراد خواهند گرفت که شما دارید تلف و دورویی می کنید، برای اینکه شما که طرفدار سوسیالیسم علمی هستید، اینکه جر می نیست. ما از این انقلاب با تمامی محتوایش سببیم می کشیم. ولی اگر ما این را بگویم، همین شعلاتی که امروز اصرار می کشند.

ما مستضعفان را

س: مثل چه گروه هایی؟

ج: اقلیت ارمنی مبارزه کردند.

س: شما از نیروهایی که معتقد

س: مثل چه گروه هایی؟

ج: اقلیت ارمنی مبارزه کردند.

س: شما از نیروهایی که معتقد

بسیار خوش می‌کنم.
چند استندانی است که عناصری وابسته به طبقات حاکم پدما می‌شوند که اینها در وجودشان احساسات انسان - دوستی فوق العاده قوی است، چشم‌پوشی از این تریب می‌شود، این مجموعه می‌شود است، که اینها تریبیت کرده، اینها فوق العاده در می‌کشند از رنج دیگران، همین دلیل است که می‌گویند انسان - دوستی آن پاهلوار مارکسیست شدن هست کارخانه‌ها شدن هست. این عناصر از طبقه‌خودشان جدا می‌شوند. یک داستان خیلی شیرینی است که من - انرا چند مرتبه تکرار کرده‌ام. این داستان در برهه آخر جنگ و زورخارجه خارجا گماشته، بون یک کارگر بود و زورخارجه کا تبانه اقلی و من ترعمن اشتناک صدناقتالی، ولی خود می‌شود کارگر کارخانه زغال سنگ بود. پیشینی از خانواده اشرفی روسیه بود، می‌گوید، البته حالا این حقیقت دارد، بهر حال خوشی سیاسی سبزی است. این می‌گوید در جبهه و پیشینی در لندن بوده و در دفاع از حقوق کارگران و زحمتکاران با او بحث می‌کرد، بون یک کارگر می‌گوید: آقای پیشینی از اخراک من از طبقه کارگران یکم، بالاخره کارگر معدن و چندان معدنی بود و ما حالا آدم‌ها و معاین و زورخارجه گلشن شده، شما نمی‌گویید که از خانواده اشرف بود و باید اینقدر از طبقه کارگر دفاع می‌کنید؟ و پیشینی می‌گوید که ما اختلاف فوق العاده زیادی نسیم، داریم، درد و جبهه مختلف هستیم، ولی در یک چیز با هم یکسانیم: «مطلق» داریم و آن نیست کمردی ما به طبقه‌خودمان خیانت کرده‌ام! شاید طبقه کارگریات کرده‌اید، من هم به طبقه کارفرما خودم خیانت کرده‌ام. این واقعت است یعنی من کارگر نیستم و روحانیون بزرگ داشته‌اند ایندرو شتفرک، اصولا روشنش کرده این مملکت چگونه میتواند باشد؟ کسی که حداقل تاین را دارد؟

برهنه‌ها، نه‌شیرها، این‌ها که نان نداشتند، اینها مستضعفان هستند. خوب، هر وقت کلمه مستضعف را می‌گویند این تعریف را هم می‌گذاریم پشت سرش، برای اینکه اشتباه نشود، آقای سرمایه‌دار شو مستضعف نیستی تو غارتگری، اینک عیب ندارد، ببیند ما کلمه لیبالیسم را اینجوری فرنگی اصلا مطرح نکردیم، گفتیم آقایان بیداره که در ایران می‌روند بظرف ماژش، به طرف بیاد کردن خط برونسکی، به طرف تجدیدناسبات آمریکا، این سرمایه‌داری است. امروز روزنامه صبح آزادگان خیلی خوب نوشته که، این آقایان نیمت آزادی می‌هستند؟ آقایان بزرگان خودشان کارخانه‌دار است، آقایان صاغبان‌نیز و بفروشان، چندتا خاندان، معلوم نیست، می‌توانیم تعدادش را بپنداریم، ما باها اعلام کردیم شما آقایان که دادار لیبالیسم نبودید می‌زید وضع مالی و اقتصادیان را همین کنید دیگر.

سفوق می‌کنم بحث حالی شد. دوستان سوال پرسیدند: آقایان از خویش شروع می‌کنید که آقای بزرگان کارخانه دار است و آقای فلان سرمایه‌دار است. سند مندی دفاع از اینها را اینجا عید دار نوشتیم، نتا کیدنه تا کنیید. به عنوان کسی که می‌خواهیم از دید مخالف صحبت کنیم تا خودنسا هاروش بشوند، اگر سب

آقای بزرگان هم صحت بکنیم از دید مخالف صحبت خواهیم کرد. تا بزرگان اندیشها به قول امام علی واقعتاها را روشن کند. خوب حالا این سرمایه‌دارها و کارخانه‌دار، تا اینجا که در وزارت دارم اکثر، نه‌نمای اعضای، کادر مرکزی حزب بودند از زندوختن یعنی هزار و سیصد و بیست بهایش طرف فرضا، بافتوالا بوده‌اند تا نسبت به روحانیون بزرگ داشته‌اند ایندرو شتفرک، اصولا روشنش کرده این مملکت چگونه میتواند باشد؟ کسی که حداقل تاین را دارد؟

بزرگ سرمایه‌داری، یعنی محتوی اش سرمایه‌داری است یعنی استثمار سرمایه‌داری.

سفرگرمی کنید امپریالیسم با شطان بزرگ چه خصوصیات مشترکی دارند، کجا وجه تمایزاتی؟

چشم‌پوشی، تعریفی که امام داشته است برای توضیح دادن یعنی از مسائل از این راه‌ها فوق العاده بافرهیم بوده برای توده‌مومبنداند.

بسیار خوش می‌کنید امپریالیسم با شطان بزرگ چه خصوصیات مشترکی دارند، کجا وجه تمایزاتی؟

چشم‌پوشی، تعریفی که امام داشته است برای توضیح دادن یعنی از مسائل از این راه‌ها فوق العاده بافرهیم بوده برای توده‌مومبنداند.

بسیار و کارگری جهان بود کاملاً مستقل هستند

نگوئی با سردبیر مجله « جوانان امروز » (۱)

به سوسالیسم علمی هستند، نام برده‌اند. اختلاف نظر دارند. نمونه‌اش در آلمان دموکراتیک، در آلمان دموکراتیک شش حزب حبه متحد دارند که از این شش حزب دو حزب آن حزب مذهبی است. حزب مسیحی یکی از احزاب متشکل حبه‌مطلق آلمان دموکراتیک هست، که یکی از معاون رئیس جمهور هم از این حزب هست. تا چند سال پیش رئیس حزب مذهبی آلمان دموکراتیک در آلمان بود، در هر دو حزب دموکراتیک آلمان بوده است، و کسی نمی‌تواند مذهب بودن او را که یکی از رجال سیاسی هست، مورد تردید بگذارد. دکتور دیکس - رئیس مجلس جمهوری آلمان، دکتور دیکس و کولتن در آلمان دموکراتیک مذهب آلمان بود. بعد از او هم باز نماینده همان حزب، تا مدت طولانی رئیس حزب بود. حالا معاون رئیس جمهور است. این مسائل که در آن کشورها هنوز که در احزابا تسلیمات خصم مطرح کرده، به هیچ وجه انطور نیست، چه خوب بود که همین سرحدات بازی که برای رفتن به آمریکا، فراسه و انگلستان که دشمن شماره یک ما هستند، این سرحدات ساز را دولت جمهوری اسلامی ایران برای کوردهای سوسالیستی می‌قبول می‌کرد تا توده‌های مردم مسلمان ایران بروند آجا بمانند، سند واقعت سالیانی که در ایران این قدر درباره‌اش فقط روی علمیات می‌شود سالیان و امپریالیسم - صحت می‌کند، چگونه است.

بسیار خوش می‌کنم، بعضی آن صحت‌ها را می‌کنند نمی‌شودند آجا سالیانی کتب و نه امپریالیسمی فرضا مثلا آندروید (ای‌آ) (مایدکات سوسالیسم و حلال ترجمه می‌کند و با کسان دیگری بود، مثلا روزنامه‌رویی یک کس خستص صحت‌هایی می‌کند، به عنوان فیلسوفی که ضد نظام مصرفی، ضد غرب، ضد شرق می‌شود، بهر حال من این سؤال را در انطور مواجهم که نمی‌تواند کم‌نویس هر جامعه‌ای یک نظام ارزشی خاص خود را دارد. این نظام ارزشی خاص خود یک سری محتویات دارد که اگر بعضی جاهایش خواهد بود، صورتی بس آن جسد نشود و یا در جوی خواهد بود، از آن گرفته بشود حالا خواه که کوتاه مدت یا بلند مدت آن حالت ناخواه با خودتان از پدما، کند یا کل جامعه، خوب نرفضاتیل

*** تمام جنایاتی که امپریالیسم آمریکا طی سی سال نسبت به مردم ایران مرتکب شده، تمام جنایاتی که رژیم گذشته و دستگاه دوزخی ساواک بدستور آمریکا در ایران مرتکب شده، تجسم شیطان بزرگ است.**

س - اصلا خود شما؟
 چه من در تمام دنیا الان میدانم چه در هم‌اکنون یک مقدار کتاب دارم که در آن تعدادی دموکراتیک هست که دولت اجازه نمی‌دهد ما برویم اینجا، هیچوقت هم به یک خانه‌دار نیست، هم یک متر زمین داشته. هیچوقت، به اوتوتی که می‌کند با معماری آرشیتکت بودم به یک متر مربع زمین داشتم، هم‌اکنون با داشتم، منتها این ثروت من در تمام زندگی دو تالی بود که آنرا در اول بازاره مخفی فرودختم برای اینکه خرمجان بکنم. این منتها این ثروت من بود. افراد حزب توده ایران را نگاه کنید تا ببینید، اینها از راه‌های متوسط بو شدند. بعضی هم از خانواده‌های اشرافی بودند.

س - خوب این با اصول عقیدتی خود در می‌آید؟
 چه خوب، بله، ما هیچ وقت نگفتم که تمام افرادی که در جامعه در رفاه هستند، اینها حتما در ساست خودشان هم تابع آن هستند، استثناها در شان پدما می‌شود.

س - مگر اناس از دید شما قسمت غنا هستند، نمی‌گویم تمام، که بعد نخواهد بود، بگذارید. مگر نمی‌تواند اقتصاد را ساخته آن نظام اقتصدی و روابط تولیدی نیست؟ چه کاملاً درست است این اصل مهم مارکستی است.

س - خوب اگر کسی فتوال یا فتوال را یاد می‌شود، چه این بطور عام ترسیا در بود - و نه ونده در مرتب بترجیع است، ولی فتوال از راه‌های استثنای پدما می‌شوند. در باره که.

س - این استثنائا را چگونه توضیح می‌کند؟
 چه همان استثنائا را که اول راجع به خود می‌گفتیم...
 چه - بگذارید من حرف تمام خود دیگر - استثنا را می‌دانم دلیلی را بگیرم.

همانها را، اگر یک بحث کنیم، در یک بحث مغلطه دیگر شما هم همان را می‌توانید با کلمه مستودعین کردوکت که اینها از چه تاریخی صرف نشانی داده‌اند، چه علتی داشته‌اند. مثلاً شما می‌توانید با اندروید در شما خلی، و اما در سره اینک خوب یک انقلاب، یک نظامی تعریف‌های خود را دارد، و از همه طرف خود را درونی‌هایی که افراد گروه‌ها ساینده و سالیانی را خارج از این تعریف‌های عام و مورد قبول، مطرح کنند، این حرف‌های شما را درست است، یعنی اصلا به هر گونه مگر می‌تواند مثل گوی می‌کند.

س - من نگفتم نباید اینها ببینند، گفتیم که اینها اگر بخوانند بصورت موضوعی در مقابل امپریالیسم در جامعه ایران، مای می‌سازد، ریشه ندارد. کسائی پیدا می‌شوند که معنی از خصوصیات لیبالیست - های اروپای غربی و در فن‌های هجده و نوزده بخودشان می‌کنند و در توده‌های غربی امپریالیسم را وقتی شما می‌باید در توده‌ها مشخصات و تکنیک به چه گروه‌های اطلاع می‌شود.

س - مگر آنرا می‌تواند یک گروهی که بحث مغلطه دیگر شما هم همان را می‌توانید با کلمه مستودعین کردوکت که اینها از چه تاریخی صرف نشانی داده‌اند، چه علتی داشته‌اند. مثلاً شما می‌توانید با اندروید در شما خلی، و اما در سره اینک خوب یک انقلاب، یک نظامی تعریف‌های خود را دارد، و از همه طرف خود را درونی‌هایی که افراد گروه‌ها ساینده و سالیانی را خارج از این تعریف‌های عام و مورد قبول، مطرح کنند، این حرف‌های شما را درست است، یعنی اصلا به هر گونه مگر می‌تواند مثل گوی می‌کند.

چشم‌پوشی، تعریفی که امام داشته است برای توضیح دادن یعنی از مسائل از این راه‌ها فوق العاده بافرهیم بوده برای توده‌مومبنداند.

بسیار خوش می‌کنید امپریالیسم با شطان بزرگ چه خصوصیات مشترکی دارند، کجا وجه تمایزاتی؟

چشم‌پوشی، تعریفی که امام داشته است برای توضیح دادن یعنی از مسائل از این راه‌ها فوق العاده بافرهیم بوده برای توده‌مومبنداند.

بسیار خوش می‌کنید امپریالیسم با شطان بزرگ چه خصوصیات مشترکی دارند، کجا وجه تمایزاتی؟

بسیار خوش می‌کنم، بعضی آن صحت‌ها را می‌کنند نمی‌شودند آجا سالیانی کتب و نه امپریالیسمی فرضا مثلا آندروید (ای‌آ) (مایدکات سوسالیسم و حلال ترجمه می‌کند و با کسان دیگری بود، مثلا روزنامه‌رویی یک کس خستص صحت‌هایی می‌کند، به عنوان فیلسوفی که ضد نظام مصرفی، ضد غرب، ضد شرق می‌شود، بهر حال من این سؤال را در انطور مواجهم که نمی‌تواند کم‌نویس هر جامعه‌ای یک نظام ارزشی خاص خود را دارد. این نظام ارزشی خاص خود یک سری محتویات دارد که اگر بعضی جاهایش خواهد بود، صورتی بس آن جسد نشود و یا در جوی خواهد بود، از آن گرفته بشود حالا خواه که کوتاه مدت یا بلند مدت آن حالت ناخواه با خودتان از پدما، کند یا کل جامعه، خوب نرفضاتیل

س - ما مستضعف را اینچور می‌فهمیم: دهها میلیون کارگر، دهقان، پیشه‌ور، روشنفکر زحمتکش، اما سرمایه‌دار را ما مستضعف نمی‌دانیم.

ج - برخورد؟ به اعدا ششان، به هر کس، اگر کسی آجا حرف را بر سر، در صورتی که نظام اقتصاد عامی نکند، کارش نمی‌کند. شما می‌توانید برای ساجرفو آجا اثباتاً اعلامیه سیاست اتحاد شوروی می‌دهد، اتحاد شوروی می‌دهد، رابطه‌های کارتری، با تلقین صحت، به کارش نمی‌کند و هنوزست و امثال او هم هست، یعنی بره‌های سوسالیستی بطوریکه آمده بسیار زیاده می‌هستند، در همای دومی هم هستند که این راه‌ها را قبول ندارند، یعنی چه؟ روی این نوع مسائل با هر چه بگ

ویژه بند «ج»

مقامات و مسئولین نهادهای انقلاب درباره بند «ج» سخن میگویند:

اجرای اس طرح مافوقان محطمر می-
اناد. زمینداران بزرگ وفودالها که
سالیان دراز خون مردم زحمتکش روستاها
را مکندهاند، اکنون چون منافع ماد-
آوردن آنها بان طرح انقلابی در عرض
محطر قرار می گیرد، ساگریر به هزاران
وسله منقول شده و سعی دارند تا از
طریق عنوان کردن مسائل مذهبی، از
تسم رسن هایشان جلوگیری کنند.
اگر این طرح اجرا شود، صدها روستایی
باید همچنان در زیر بوغ سپهر کشی
خان های مستکرم مساند و اگر چنانچه
محلس شورای اسلامی دولت در اجرای
حقوق فریب به ۱۸ میلیون روستایی کام
مظنر برنزداند، از پشتیبانی توده
عظیم صداقت و انقلابی بی سپهر
خواهد شد.
(در ماهنامه باحرنگار کیهان، ۹ اسفند
۵۹، صفحه ۳)

ارطرف مالکی و گروههای باحور صورت
می گیرد، انطور وانمود می شود که اسلام
حامی مستضعفین است و ما در این مورد
به مقامات مسئول همدار می دهیم که
سریرا در مورد اجرای این بند تصمیم
گیرند و ما خواستار اجرای هر چه سریع تر
بند «ج» هستیم.
(در ماهنامه باحرنگار جمهوری اسلامی،
۱۳ اسفند ۵۹، صفحه ۴)
حجت الاسلام محسن راهی، نماینده
مردم خداوند در مجلس شورای اسلامی:
... و اما آنچه که در سطح جامعه
بکرای احباد کرده، اجرای این طرح را
که می توان از بهترین مصوبات شورای
انقلاب نام برد، متوقف ساختن بند
«ج» بیشتر از ناحیه کسانی است که با

حاکمی، نماینده هیئت واکداری زمین
اسنای اصفهان:
... و اس بار صاحب رور و زرو
رور را به خدمت گیرند و نواستند
همزمان با شروع جنگ تحمیلی دولت
بعت عراق باعث متوقف شدن بند «ج»
گردند...
تفقا در این رابطه بعد از توقف بند
«ج» توطئه های در کار بود ما نواستند
وحدت روستاها را برهم برسد، ولی از
رار عین حمایت گرفته و نگذاشتیم
تست به آن ها ظلم روا گردد و به آن ها
ایند داده ام که بعد از پایان جنگ بند
«ج» اجرا خواهد شد. اما مسئله که در
انجا و آنچه وظیفه خود می دانیم این
است که امیدوار کردن زار عین تست به
بارگشت بند «ج» تنها زمانی می تواند
موتر باشد و سپس وقتی زمان طولانی
شود، به ما می توانم چیزی بگویم و
به آن ها قبول می کند و با تعاتی که

بانگی که از چهار گوشه کشور بر میخیزد:

اجرای بند «ج»

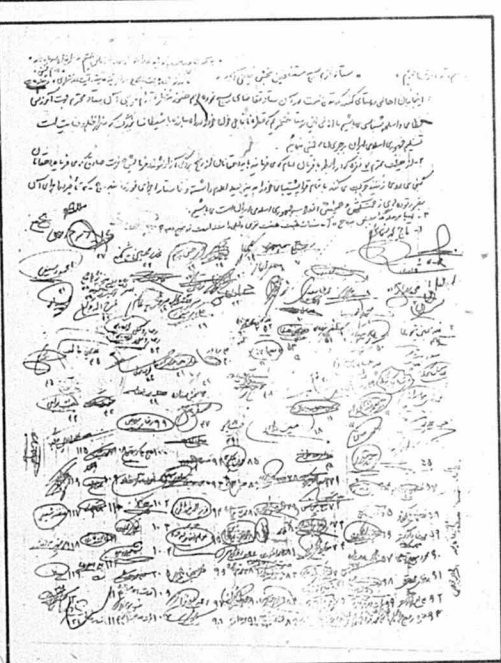
از سران کشور صدای رسا و آشنای گوی می رسد: "بند «ج» را از توقف
بیرون آورید." قانون اصلاحات ارضی را با جزئیات کامل اجرا در آورند.
"سازد بزرگ مالکی را برچیند."
این صدای ملیوشها دهقان بی زمین و کم زمین است که از سدر عباس
گرفته تا خراسان و از چهارمحال بختیاری تا سهرری خواستار اجرای فوری و
سریع قانون اصلاحات ارضی و بند «ج» و اسد " این قانون هستند. نماین
نداها باید به صورت واضح گفت.
حتی کردن توطئه های گوی و آسده، غارتگران خبیکی و در این آنان
آمریکا و دستارانشان در ایران انقلابی، از جمله در مسارت ساین عمل
سفته است.
در صفحه دهقانی این شماره نامه "مردم" این صدها امکان می یابد.

دهقانان بذر عباس: با اجرای بند «ج» پیروزی ۲۲ بهمن را تداوم بخشیم

دهقانان سدر عباس در مالگرد
انقلاب شکوهمند مردم ایران
دست غراهمایی رندند. مسر
این راهمایی از دستران
ناسر حور با سجد فاطمه بود.
دهقانان از طریق این راهمایی
اجرای بند «ج» را خواستار
گردیدند.
راهمایان، دهقانان ۶۰ روستا
بودند که در کربک در مسار به
اداره کشاورزی آمده بود. در دست
روستایشان لاکاردهای بود که بزری
آنان شعارهای سرخس می خورد:
"مالکن و سرمایه داران بزرگ را
به پای میزخاکه می کشم"، "نا اجرای
بند «ج» ریشمیزدگس را در روستاها
بخشاکم"، "اجرای بند «ج» پیروزی
۲۲ بهمن را تداوم بخشیم"، "و سر
حسانی از آیت الله مظفری را به هیره
داشتند. "بند «ج» در طرح
اصلاحات ارضی خلاف شرع نبود".
دهقانان بی زمین و کم زمین سدر-

تأخیر در اجرای بند «ج» بضرر کوده های زحمتکش و انقلاب و جمهوری اسلامی است

دهقانان
کندلر
کاشمر:



دهقانان زحمتکش کندلر، در ۳۰
کیلومتری غرب کاشمر طی نامه-
ای به دفتر هیئت عالی قدرت
المظفری اجرای بند «ج»
قانون اصلاحات ارضی را
خواستار شده اند. در این نامه
صن طرح مسئله و سبب و اثر
نظامی، به مشکل توقف بند «ج»
اشاره کرده اند. در بخشی از
این نامه، در ارتباط با مسئله
توقف بند مذکور، آمده است:

... از هیئت محترم کندلر، در ۷
در رابطه با فرمان امام که می فرماید
دهقانان ارجح سرنگی آزاد شوند و
فرمایش حضرت صادق که می فرماید
دهقانان گنج های روی زمینند، حرکت
می کنند تا تمام قوا پشتیبانی خود را
بدین وسیله اعلام داشته و خواستار اجرای
فوری بند «ج» که تأخیر در اجرای آن به
ضرر توده های زحمتکش و همچنین انقلاب
و جمهوری اسلامی ایران است می باشم.
آیا به هر طریقی که باشد بند «ج» اساساً
هیئت هفت نفری دلیلی داشته است؟
توضیح دهید. این نامه ما به امضا
از ۱۲۱ تن از دهقانان رسیده است.

لازم به تذکر است که بدین پیش
زمین های یکی از بزرگ مالکان توسط
هیئت هفت نفری به تعدادی از دهقانان
بی زمین که بیش از ۲۰۰ خانوار را تشکیل
می دادند واگذار شد.

برق ندارد، لیکن اقداماتی جهت به
راه انداختن برق محل از طریق شورای ده

این روستا، از روستاهای حاشیه
کویر خراسان است، در حال حاضر روستا

روستائیان فرادنبه چهارمحال بختیاری خواهان اجرای

بند «ج» هستند

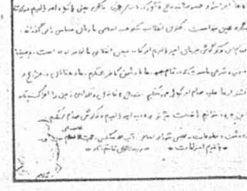
آیت الله العظمی و قیبه العقدر آیت الله
مظفری تأیید کرده است و حتی آیت-
الاطهار فرمودند که اجرای بند «ج» اصلاحات
ارضی خلاف شرع نیست. در خاتمه اهالی
این روستا خواستار اجرای موارد زیر است:
۱- شروع کار مجدد هیئت هفت
نفر متقسم زمین در اجرای کامل بند «ج»
۲- بیکرد و کونا کردن دست صد-
انقلابیون شناخته شده توسط کسر علیه
جمهوری اسلامی
این نامه اثر انگشت و امضا تعداد
زباید از روستائیان و امضای نمایندگان
روستائیان در هیئت هفت نفری و مبر شورای
هماری روستایی را در بر می دارد

روستائیان زحمتکش روستای "فرد
نه" واقع در استان چهارمحال
بختیاری، طی نامه ای به هیئت
الاسلام آقا هاشمی رشتنی،
آخرین نفس دفع می کنند. ولی توطئه
از داخل که توسط افرادی مستکرم
جهان خوار که بازهم در مسیر خواست
آمریکار حرکت می کنند و توسط هیئت
فودال ها و زمین داران بزرگ و دگرند-
اندلاسون انجام می گیرد. باید هر چه
سریع تر دست این غارتگران و زوالوفشان
که برای برکنش حکومت دلخواه خود
هرگونه عملی انجام میدهند کوتاه کرد.
و این مهم میسر نمی گردد مگر رسیدن
روستائیان زحمتکش محقوق حقه خود و
تقسیم زمین های بزرگ مالکان، یعنی
اجرای بند «ج» ماده اصلاحات ارضی که
توسط آیت عظام آیت الله مشکینی،

دیهما با دشمن کافر بختکم. ما
دهقانان در برابر و کشتزارها علیه صدام
آمریکایی می جنگیم. بند «ج» قانون
و اکداری زمین را اجرا کنید تا در این
حسبه بتوانیم با قدرت بیشتر بر علیه
امپریالیسم و نوگرش صدام جنگیم.
رونوشت به مطبوعات. مجلس شورای
اسلامی - آیت الله مشکینی - حجت -
الاسلام خامنه ای
"با تقدیم احترامات"
روستائیان قاسم آباد

بند «ج» را اجرا کنید تا بتوانیم با قدرت علیه امپریالیسم جنگیم

بدون مقدمه و بدون تفسیر، عین نامه
دهقانان قاسم آباد شهری را که سهر
شورا نیز در زیر آن دیده می شود، مام
می خوانم:
حضور محترم آیت... مظفری
امام جمعه قم:



ما اهالی روستای قاسم آباد
از توابع شهری واقع در ۲۵
جاده قدیم مشهد بار دیگر پشتیبانی
خود را از امام خمینی رهبر انقلاب
شکوهمند اسلامی ایران اعلام داشته
حمایت سیدرین خود را از کلیه سبادهای
انقلابی مانند سیاه پاسداران، جهاد
سازندگی، هیئت های هفت نفره تقسیم
زمین و سایر نهادهای انقلابی دیگر اعلام
می داریم. ما پشتیبانی قاطع خود را از
طرح انقلابی و اکداری زمین به دهقانان
کرم زمین و بی زمین که به تصویب شورای
انقلاب و مراجع تقلید رسیده است اعلام
داشته و می خواهیم که این قانون کاملاً
اجرا شود. خصوصاً بند «ج» آن که
ناسودی بزرگ مالکی یعنی پایگاه
امپریالیسم در روستا در گرو همین بند
است. اکنون انقلاب شکوهمند اسلامی
ما زمان حساسی را می گذرانند. صدام
این نوکر کوش فرمان امپریالیسم آمریکا
به صحن انقلابی ما تجاوز نموده است.
وظیفه، سببیتی و شرعی ماست که در تمام

۶۱ سال از روزی گذشت که مردم شیخا، حسین‌دوست و آزادخواه آذربایجان برای چندمین بار علیه رژیم فاسد سلطنت و سلطه افزاینده امپریالیسم بر سرزمین آباء و اجدادی خویش به قیام دست زدند. قیام را حزب دموکرات (که از ۳ سال پیش از آن، فعالیت خود را برهبری خیابانی در آذربایجان آغاز کرده بود) رهبری می‌کرد. مردم تبریز در عرض دو روز (۱۸-۱۶ فروردین ۱۳۴۹) همه ادارات دولتی را در اختیار گرفتند. گرجه پیروزی قیامی که از ۶ ماه دوام یافت با شهادت رهبر برجسته آن خیابانی (۲۹ ذیحجه ۱۳۳۸) شکست خورد، اما نقش تاریخی خود را در قیام جنبشی رهایی‌بخشی ملی و ضد امپریالیستی مردم کشور ما ایفا کرد.

بمناسبت سالگرد قیام مردم آذربایجان به رهبری

شیخ محمد خیابانی

درس‌هایی از قیام دلیرانه مردم آذربایجان بر رهبری شیخ محمد خیابانی

یکی از نتایج انقلاب مشروطیت ایران، همانا جدا شدن دموکراسی‌راديکال و انقلابی از دموکراسی لیبرال و سازشکار بود. خیابانی توانست نشانده برجسته آن جناح قطع (به نوشته خود او «رادیکالیسم») از دموکراتهای ایران شود، که از زمان انقلاب مشروطیت صفوف خود را از لیبرالهای تسلیم‌طلب و سازشکار جدا می‌کردند. مقاومت دموکراتها و نقل درختان خیابانی در آخرین جلسات مجلس دوم (ذیحجه ۱۳۴۹)، که دولت لیبرالها پیشنهاد تسلیم در مقابل اولتیماتوم مشترک امپریالیسم انگلیس و تزار روسیه را به مجلس آورده بود، صفحه فراموش نشدنی از تاریخ درختان مبارزان مردم است.

پس از تعطیل مجلس، خیابانی نیز، مانند بسیاری از رزمندگان انقلاب مشروطیت، مجبور به ترک وطن و مهاجرت به روسیه اتریش شد. در آن کشور، خیابانی با افکار سوسیالیست از نزدیک آشنا می‌شود و مبارزه بیکر و آشنایان حزب سوسیالیست دموکرات کارگری روسیه به رهبری لنین را مشاهده می‌کند. پس از مراجعت به وطن، بعداز انقلاب فوریه ۱۹۱۷ و سقوط تزاریم روسیه، خیابانی کمر همت به احیای سازمان حزب دموکرات در آذربایجان بست. اولین مقاله او تحت عنوان «حقیقت را باید گفت» در ۸ رجب ۱۳۳۵ مطابق با ۳۰ آوریل ۱۹۱۷، با نامهای کم - مخ منتشر گردید. در نتیجه تلاشهای بیکر او، کنفرانس ایالتی فرقه دموکرات آذربایجان (ذوقمده هاسانل) تشکیل شد. هجوم قشون عثمانی، اشغال تبریز و تبعید خیابانی توانست روند رشدیافته تاریخی را رسته کند. پس از خروج ارتشهای ترکیه (که در نتیجه پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر و زیر فشار مستقیم دولت نوپدید شوروی، هنگام تپیه صلح برست لیتوفسک با آلمان، متحدشان، صورت گرفت) خیابانی به وطن مراجعت کرد. فعالیت فرقه را گسترش داد و بالاخره قیام مردم تبریز را به پیروزی رساند.

دولت خیانت‌پیشه لیبرالها، همان لیبرالهای نظیر حاج مخیرالسلطنه هدایت، که زمانی خود را در صفوف دموکراتها جا زده بود، به قصد سرکوب جنبش مردمی، ضد امپریالیستی و دموکراتیک، در آن زمان نیز مانند امروز دژ متمرکز کونیسم را علم کردند و خیابانی و هواداران را به «تنظیم طلبی» متهم نمودند. در صورتیکه سراسر کردار، گفتار

گسترش یک جنبش انقلابی به تنهایی بی‌بسیج کافی نیست. هر انقلاب بنیادی اجتماعی، پس از پیروزی اولیه نیز، هیچگاه از رویارویی سرسختانه دشمنان طبقاتی خلق مستضعف، از توپخانه داخلی و خارجی و دست‌رسانی‌های انقلاب داخلی و خارجی مصون نبوده و نیست. براساس تجربیات مکرر تاریخی است که گفته‌اند: انقلاب باید بتواند از خود دفاع کند.

همچنانکه اسباب اساسی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی، که هر ۳ قیام گیلان، آذربایجان و خراسان را بوجود آورد، یکسان و شرایط عمده داخلی و خارجی پیروزی آنها نیز یکسان بود، علل عمده ناکامی و شکست آنها نیز یکسان بود. در عین حال، چه سببهای کلی قیامها و چه علل عام ناکامی نهایی آنها، در هر یک از قیامها بصورتی خاص خود بروز می‌کند.

علل عمده اجتماعی - اقتصادی شکست این نهنفتن پیش از هر چیز در ساختار طبقاتی جامعه آرزو ایران نهفته است. جامعه ایران مرحله گذار تدریجی، طولانی و پریشک از رژیم فئودال و پوسیده ارباب - رعیتی به نظام تازه و سفید سرمایه‌داری را در شرایط تسلط رزوازی‌سیاست استعماری امپریالیسم بر کشور طی می‌کند. رزود کشته‌ترین طبقه از همه کونه طبقات، افسار، لایه‌ها و گروه‌های اجتماعی - اقتصادی ممکن، مشخصه عمده جامعه آن دوران با تسلیح کننده طبقه کارگر نوری ایران از لحاظ کمی و کیفی، متحرک در کانونهای صنعتی، تشکل سازمانی، احکام طبقاتی هنوز بصورت آن نیروی اجتماعی مقتدری در نیامده بود که بتواند نقش تعیین کننده را در رهبری جنبش انقلابی ایفا کند. خلصت اجتماعی طبقات و افساری که در رهبری قیامها شرکت داشتند، مانع تشکل در یک جنبه واحد هنگامی میشد، عدم قابلیت انقلابی، تزلزل و تردید افساری از خود به روززواتی، دولتی و تمایلی به ساختن آنها را پیوستگی لیبرالهای تسلیم‌طلب و خیانت‌پیشه می‌کند. ریشه عینی خیانت بعضی از شرکت کنندگان در رهبری هر سه بخش جنبش نیز، که اغلب مورخین به اسم و رسم ثبت کرده‌اند و پیرامون آن مباحثه میکنند، در واقع در همین خلصت اجتماعی - اقتصادی جامعه نهفته است. عدم ارتباط موش سازمانی و هم‌آهنگی عملی بین بخش‌های عمده جنبش رهائی‌بخش ملی، ضد امپریالیستی و دموکراتیک آن دوره نیز، که از علل مهم ناکامی مجموعه نهفتن بود، در حقیقت از همان ناهمگونی شدید ساختار طبقاتی جامعه سرچشمه می‌گرفت، که در عدم تجانس نیروهای جنبش و رهبری آن متعکس میگردد. در مقابل، دشمن اصلی و متحرک - امپریالیسم - که رژیم فاسد شاه را آلت بی‌اراده خود کرده بود، با استفاده از سازماندهی و تسلیم طلبی لیبرالها، همان امکانات مادی و معنوی خویش را علیه این قیامها بسیج و متمرکز کرد. همه این عوامل بصورت اختلال و نقره نیروهای انقلابی بروز کرد، که ناکامی، شکست در مقابل هجوم متحد امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی را در پی آورد.

برای حفظ، تحکیم، گسترش و تعمیق انقلاب شکوفا، دشمنان برهبری امام خمینی، درصالحات عبرت آمیز تاریخ را لحظه‌ای هم فراموش نکنیم.

و اندیشه خیابانی و هم‌زمان صدیقش متوجه رهائی ایران از یوغ تسلط امپریالیسم و رژیم پوسیده سلطنت و حاکی از این بود که: «آذربایجان جزء لاینفک ایران است». «آذربایجان جزء لاینفک قلمت ملکیه ایران است». (استاد کنفرانس ایالتی فرقه دموکرات آذربایجان). واقعیت تاریخ نشان داد که «مترک کونیسمه» فقط و فقط بهانه‌ای بود برای فریب دادن مردم، بخون کشاندن قیام مقدسی که جن استقلال، آزادی، سعادت و رفاه خلق هدف دیگری نداشت. نخستین درس عبرت آمیز آن قیام تاریخی اینست: آن جنبشی را، که حتی خودکام‌های چون عین‌الدوله از اجناس سر باز زد، لیبرالی چون حاج مخیرالسلطنه بدان دست یازید و بر سر جنازه خون آلود خیابانی پایکوبی و دست‌افشانی براف انداخت (رجوع کنید به کتاب قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز، تألیف علی‌آذری، چاپ چهارم ۱۳۵۴، همچنین کتاب قیام کلل محمد تقی‌خان سپیان، از همان مولف، چاپ اخیر، صفحات ۱۷۴-۱۷۶).

اما آن «السلطنه» حاجی» غافل از این بود که، در مسیر قانونمندیهای عینی رشد تاریخی جامعه بشری، در پی زود جنبش رهائی‌بخش خلق پیروز خواهد شد، خزانکه بالاخره زیر رهبری امام خمینی پیروز شد. نام ارجمند خیابانی، که با خون پاکش نقش جاودان بر سینه تاریخ مبارزات دلیرانه مردم ایران است، روز بروز درخشندگی می‌یابد و رنگ سیاه حاج مخیرالسلطنه و دخاطرات و خنطرات، چرکین آنها، با خودشان در زیاده‌دان تاریخ بسا لغت هم‌آغوش و فراموش خواهد گردید.

دین عبرت آمیز دیگران قیام تاریخی اینست: قیام پیروزمند در تبریز توانست به گونه‌ای متشکل و بیکر همه شیرها، قصبات و دهسات آذربایجان را فرا گیرد. انقلاب برای دفاع، تحکیم و گسترش دستاوردهای خود تدارک لازم و کافی را ندید. واحدهای ارتش بطورکلی دست نخورده ماند. زیر فرماندهی مستقیم دموکراتها قرار نگرفت و تنها به بخش‌هایی از زانداگیری و عده قلیلی فدائیان مسلح اتکا میشد. ناکامی قیام بار دیگر و بوجوب انگارناپذیر به اثبات رساند که وجود آزروهای مقلد و آمال والای آزادیخواهی، میندوزی و استقلال‌طلبی، خیرخواهی، نیک - اندیشی و جوانمردی، که خیابانی، یکی از مظاهر برجسته همه آنها بود، بسرای حفظ، تحکیم و

قیام تاریخی مردم آذربایجان که بپسراه انقلاب گیلان به سرکردگی میرزا کوچک خان و قیام خراسان برهبری کلل محمدتقی خان پیمان، صفحه درختان نوینی را در تاریخ جنبش صدماله اخیر مردم ایران علیه نظام خودکامه شاهنشاهی و تسلط خانمان‌برانداز امپریالیسم گشود، علل عمیق اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و فرهنگی داشت. همه نویسندگانی که بمناسبتی از این قیام یاد کرده‌اند، در این نظر اشتراک دارند که، انگیزه مستقیم قیام همانا مخالفت با قرارداد سیاه ۱۹۱۷ و لوق‌الدوله با انگلستان بود، که در حقیقت ایران را به مستعمر امپریالیسم انگلیس تبدیل می‌کرد. البته این قرارداد تنها یک مکمل متضاد و بازو از سیاست استعماری امپریالیسم در ایران بود، که از مدتها پیش با سرسختی و خشونت هرچه نامتبر در کشور ما پیاپی میشد، اما قیام دلیرانه مردم تبریز علاوه بر این جنبه عمده خارجی، بعضی خلصت ضد امپریالیستی، جنبه مهم داخلی نیز داشت، که علیه رژیم فاسد سلطنت، و یا بگفته خیابانی، «حالت افسان‌آمیز مملکت» نهفته بود. علل داخلی اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قیام را به کرات خیابانی، فرزند قهرمان خلق آذربایجان، که اندیشه و آمال مقدس مردم دلیر خویش را بیان می‌کرد، به سرحاست‌الطهار داشته است. از جمله نزدیک یکماه پس از قیام، در نقلی که خیابانی در مقابل مردم تبریز، در ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۴۹، ایراد کرد، گفت:

«ما چرا قیام کردیم؟ اگر وضعیت مقدم بر قیام را از نظر مطالعه بگذرانیم، حالت افسان‌آمیز مملکت و اختلالات بی حد و حصر مالی و افسانهات بی‌ناموسانه و چایانه نقطه را در نظر بگیریم، لزوم فوری قیام را احساس می‌نمائیم». زندگی پراتخار خیابانی نمونه درختانی از رشد و تکامل رهبری است مردمی، که در اندیشه‌های دموکراتیک مین‌دوستانه و آزادخواهانه خویش تا سرحد شهادت پیکار می‌یود. به گفته خود او: «روح دموکراسی» آن روح تکامل و ترقی‌یافته، روح «آزادی»، که شرمش یگانه و ناملت‌رفیقان اجتماعی و ملی میباشند، در واقع از دوران انقلاب مشروطیت (۱۳۰۸-۱۲۸۸) در شرکت مستقیم در سنگراهی خوین دفاع دلیرانه تبریز، پسرکردگی ستارخان بزرگ و سین و صفوف نمایندگان مبارز مجلس دوم، پیوسته در رویارویی با لیبرال‌های سازشکار و تسلیم‌طلب، در خیابانی رشد یافت.

یک سؤال از مهندس...

پتی از صفحه ۱
نامه‌های تبدیلی می‌نویسند، ولی خوب ما می‌دانیم، نمی‌خواهیم بگویم اینجا مال اینها بوده است. مال آقایان کونیسم‌ها بوده است. بعد هم فیهید متعاش از کجاست. ولی به این اسم هم روحیات هم توده مردم را می‌ترساندند... استعمارگران را ترسانند.

یک فرونده...

پتی از صفحه ۱
در قسمت دیگری از همین
املاویه، به حمله نیروهای متجاوز

آمریکا و ...

پتی از صفحه ۱
با بگفتن حجیت‌الاسلام خانه‌ای - تبلیغ دخلی کونیسم، بسرای انحراف توجه مردم از دشمن اصلی

نمایشگاه سومین سالگرد انقلاب در زاهدان

به‌مناسبت سومین سالگرد انقلاب، در زاهدان نیز همانند سایر شهرهای ایران، نمایشگاه عکس و بوستر برگزار شد. در این نمایشگاه، که به مدت ۵ روز ادامه داشت، مسیر رشد و تکامل انقلاب و توپخانه‌های گوناگون امپریالیسم آمریکا علیه آن به نمایش گذاشته شد. در این نمایشگاه همچنین افشاگرهای «دانشجویان مسلمان» به‌مناسبت سومین سالگرد پیروزی انقلاب ایران، ازبومیان، ازبومیان و سبزه‌سازان حزب توده ایران در شهر کرد، نمایشگاه عکس در دوره، قرار گرفت. به همین مناسبت، از سوی سازمان جوانان توده ایران، شبگرد نیز نمایشگاه عکس در این شهر برپا شد.

نمایشگاه دومین سالگرد انقلاب در شهر کرد

به‌مناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب ایران، ازبومیان، ازبومیان و سبزه‌سازان حزب توده ایران در شهر کرد، نمایشگاه عکس در دوره، قرار گرفت. به همین مناسبت، از سوی سازمان جوانان توده ایران، شبگرد نیز نمایشگاه عکس در این شهر برپا شد.

کم‌مالی به حزب توده ایران! بکوشید انقلابی!

عده‌ای از دانش‌آموزان هوادار از دبستان ۱۷ شهریور - سبزواد ۸۵۰۰ ریال عده‌ای از هواداران در امارات متحده عربی - ۳۰۰۰۰ ریال هواداران حزب در دماوند ۸۱۰۰۰ ریال

که این کشور می‌روند ضمیمه شود به کشورهای کونیست و منافع شما ازین می‌رود. در این میان یک مشت اوباش را راه انداختند و با یک مشت قزاقها و قلندرها که الان هم هنوز «مانده‌ها» هستند و سرود می‌کنند. این مردم را کویدند و این نهنفتن را درم شکستند و بعد از آن چقدر کنته دادید؟

در پایان این اعلامیه اعلام شده است که یک هوادار می‌تواند متجاوز ارتش صدام در منطقه فارسیات تومرگز بندندگان انقلاب سرنگون گردد.

مردم به مناطق مسکونی شهرهای آبادان، اهواز، ذرفول و ایلام متجاوز و اعلام شده است که این حملات، تلفات و رشایمانی بی‌ار آورده است.

دشمن اصلی انقلاب و جمهوری آمریکا جبار و دولتی طرفدار او، در داخل و خارج کشور نیز شدت یافته است. توپخانه‌های مداوم و روزافزون کرد

مرزبندی بین انقلاب و ضدانقلاب در کردستان ادامه دارد

آمریکا است. ما امروز در میدان مبارزه ضدامپریالیستی در جهان پهسوی کسیده می‌شویم که به اردوگاه ضدانقلاب جهان ختم می‌شود. ما دوستان و متحدین خلقی خود را چه در درون ایران و چه در سطح جهانی از دست داده‌ایم. ما پیوند خود را با انقلاب ایران و نیروهای مترقی و خلقهای ایران به‌جای اینکه در برابر امپریالیسم مستحکم کنیم، متلاشی نموده‌ایم. جنبش ملی کردستان زمانی می‌تواند به‌موفقیت برسد و دمکراتیک باشد که در سطح جهانی از پشتیبانی و حمایت کشورهای مترقی جهان و احزاب مترقی کشورها برخوردار باشد در غیراینصورت آینده‌ای تاریک و میهم و می‌توان به صراحت گفت فاجعه در پی خواهیم داشت. ما میدانیم که اگر جنبش ضدامپریالیست باشد و با دوستان و جاسوسان امپریالیسم مبارزه قاطع و بیکیفر ننهد منجر به شکست خواهد شد زیرا از درون می‌روید و به گردابی عمیق سقوط خواهد کرد.

۱- عملکردها و سیاستهای اعمال شده رهبری حزب بعد از کنگره چهارم بیشتر در جهت عکس مسویات کنگره چهارم بوده است. ۲- علان ایجاد وابستگی جریمان به دولت فاشیستی بمب نمایان گردیده که در آینده‌های نزدیک فاجعه کردستان عراق در کردستان ایران تکرار خواهد شد.

۳- دوری از اردوگاه سوسیالیستی و نهایتاً نزدیکی به متحدین امپریالیسم و دوستان و جاسوسان آن که مایه وحشت و فاشیسمی افراد صمدی حزب گردیده است.

۴- پرهیز و خودداری از هرگونه اقدام مسلحانه و تحریک آمیز بین پیشمرگان و اعضاء حزب با توجه به جوی که در منطقه دم کرده پیش آمده و بسبب تضعیف جنبش ملی خلق کرد می‌باشد. ۵- عدم اتخاذ موضع اصولی و منطقی در برابر تجاوز رژیم بعث عراق به ایران که هدف آن نابودی دستاوردهای انقلاب خلقهای ایران بوده و ماحبت امپریالیستی داشته و ما اکنون عملاً در سنگر آنان قرار گرفته‌ایم.

۶- عدم قابلیت در رعایت دیسیپلین حزب.

۷- انحصارطلبی و «گپها دادن به رای تسکلیاتی و بعضی از اعضاء کمیته مرکزی و حتی نادیده گرفتن پلنوم کمیته مرکزی.

۸- پشتیبانی از لیبرالها که در راه کسب قدرت و سازش با امپریالیسم هستند.

۹- عملکردها اکثراً برخلاف شمار استراتژی حزب می‌باشند.

۱۰- راه دادن افراد سادارکی، افسران سلطنتطلب و دیگر جاسوسان و دوستان امپریالیسم به درون حزب و سپردن پستیهای مهم به آنان که هدف آنها استقرار دژواره سلطه امپریالیسم بر مین انقلاب ما می‌باشد.

۱۱- پانویس به نکات فوق‌الذکر خواستار هرچه زودتر یک کنفرانس متشکل از اعضاء کمیته مرکزی و مشاورین و بازرسان و نمایندگان تسکلیاتیهای حزب و نیروی پیشمرگه از سراسر کردستان می‌باشیم تا به این نابسامانیا و هرچند موجود و انحرافات و حتی خیانتهای رسیدگی و پایان داده شود تا جریان کردستان عراق در کردستان ایران تکرار نشود و از متلاشی شدن حزب و جنبش کردستان جلوگیری بعمل آید.

اخیرا سندی از جانب عده‌ای از اعضاء «تسکلیاتی»: سوما، سلما سوزل، برادوست، شیران و نمایندگان پیشمرگان هیز قهرمان و سرگرد عباسی و دو نفر عضو کمیته مرکزی (حزب دمکرات کردستان ایران - گروه قاسملو) در کردستان انتشار یافته، که دارای اهمیت جدی است. این سند نشان می‌دهد که عده دیگری از اعضاء «حزب دمکرات کردستان ایران - گروه قاسملو» به اعتراضی و مخالفت علیه سیاست ضدانقلابی گروه قاسملو برخاسته‌اند. ما عین سند را برای اطلاع خوانندگان گرامی در زیر درج می‌کنیم:

حزب دمکرات کردستان ایران - دفتر سیاسی صورت جلسه

بتاریخ ۱۶/۲/۶۹ جلسه‌ای متشکل از اعضاء تسکلیاتی: سوما، سلما سوزل، برادوست، شیران و نمایندگان پیشمرگان هیز قهرمان و سرگرد عباسی و دو نفر عضو کمیته مرکزی در روستای «هشتیان» محال سوهای تشکیل و بعد از چندین ساعت بحث و تبادل نظر در مورد وضع حزب دمکرات کردستان ایران و همچنین مسائل کردستان و ایران و منطقت در این شرایط حساس و سرنوشت‌ساز، نتیجه جلسه بشرح زیر با اکثریت قریب به اتفاق آراء اعلام می‌گردد. در مورد ایران

انقلاب ایران شرایط بسیار حساس را پشت سر می‌گذارد، تورم، بیکاری، گرسنگی و بحران اقتصادی وحشتناک، تجاوز رژیم بعث عراق به کشورمان و نابودی مراکز اقتصادی و آوارشدن حدود سه میلیون نفر، نقشه‌ها و توطئه‌های امپریالیسم برای نابودی دستاوردهای انقلاب ایران و تسکین در درون حاکمیت و نقشه‌های لیبرالهای کینه کار جهت کسب قدرت و سازش با امپریالیسم و غیره دال بر وخامت اوضاع و نابسامانی در کشورمان است. لازم است در این برهه حساس نیروهای مترقی و مردمی و خلقهای تحت ستم در جبهه‌های واحد برای حفظ دستاوردهای انقلاب بر علیه امپریالیسم و دوستان آن مبارزه بریزند. در مورد کردستان

خلق کرد برای کسب خودمختاری و رهائی از چنگال ستمگران سالهای سال به مبارزه خونین خود ادامه داده است و در این راه متحمل سنگین‌ترین خسارات مالی و جانی شده است. در پیروسه جنبش دمکراتیک خلق کرد، حزب دمکرات کردستان ایران همیشه نقش رهبری و تعیین‌کننده داشته است. در جریان سی و پنجاه و پنج سال جنبش دمکراتیک کردستان بهترین فرزندان خلق کرد خون پاک خویش را فدای آزادی نموده‌اند. جنبش ملی در کردستان ایران در شرایط حاضی لحظات بسیار حساس و سرنوشت‌ساز را می‌گذراند. در این مقطع زمانی اگر اقت و خیزها و شکستهای خود را در گذشته تحلیل و بررسی کنیم و از ناکامیا و شکستها درس بگیریم سرنوشت شومی در پی خواهیم داشت. امروز می‌بینیم جنبش کردستان در راهی قدم گذاشته که در تاریخ خلق کرد چندین بار به ناکامی منتهی شده است. امروز می‌بینیم جنبش دمکراتیک خلق کرد برآستی جنبه‌های دمکراتیک و ضدامپریالیستی خود را در عرصه مبارزاتی از دست داده و متأسفانه پاره‌ای از عملکردهای آن نه فقط در جهت منافع و آزادی خلق کرد نیست بلکه در جهت منافع امپریالیسم

برای کارگران کوره‌پز خانه م. ف. اندیشمند

از خاک تا خاک

هرروز باران خاکستر می‌بارد
هرروز باران سرفه، خون
هرروز سل.
ده سال، بیست، سی ...
آنگاه، تابوت و گریه و گورستان.

هرشب، رویای آب و علف
خواب ستاره‌ها، دی یا
خواب پرنده‌ای که اوج می‌گیرد
خواب چراگاهها، چشمه‌ها، قنات‌ها
بادی که می‌وزد، آواز جیرجیرک.

اما سحر، آن قدر خاک هست تا بی‌نیابت
آن قدر دریا، اقیانوس بی‌کران خاک خشک
یک توده‌ی گداخته که پوست می‌ترکاند
آنگاه، روز، روز ترانه‌های غمگین، روز ترانه‌های
سنگین، خاکستری
و عصر، عصر، باران خاکستر.

اما ستاره‌ی زهره، روشن، آبی!

ضرب و شتم هواداران حزب توده ایران در شیراز

۲ تن از هواداران حزب توده ایران در شیراز، هنگامی که در حال نصب نمایشگاه توطئه‌های ضدانقلاب و امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران بودند، توسط شخص مشکوکی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. ما ضمن اعتراض شدید به این

کیوسک فروش نشریات حزب توده ایران در هفت گل به آتش کشیده شد

عوامل ضدانقلاب در هفت گل، کیوسک فروش نشریات حزب توده ایران در این شهر را به آتش کشیدند و قسمتی از اموال موجود در آن را به غارت بردند.

این افراد با استفاده از تاریکی، در نیمه شب دوشنبه ۴ اسفندماه ۵۹، به کیوسک فروش نشریات حزب توده ایران حمله کردند. فردای این روز افراد مشکوکی در شهر سعی کردند سپاه پاسداران انقلاب را به عنوان عامل این عمل ضدانقلابی نامود کنند و آنها را در سطح شهر بدنام سازند.

ما ضمن محکوم کردن این عمل ضدانقلابی و رد اتهام وارده به سپاه پاسداران، از مقامات مسئول، که مرتباً بن حفظ آرامش تأکید دارند، می‌طلبیم که هرچه زودتر با شناسایی این افراد، آنها را مورد پیگرد قانونی قرار دهند.

نمایشگاه پیروزی انقلاب در دورود

به مناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب، نمایشگاه عکسی از سوی هواداران حزب توده ایران در دورود برپا شد. این نمایشگاه مورد استقبال اهالی قرار گرفت.

سلاح کردن رژیمهای دست‌نشانده توسط امپریالیسم آمریکا با شدت ادامه دارد

روزنامه نیویورک تایمز در شماره دوم آوریل ۸۱ خود نوشت: «آمریکا تصمیم گرفته است که پنج هواپیمای آواکس به‌رزمی عربستان بفروشد. همچنین قرار است ۷ هواپیمای نشت‌رسان به رژیم آل‌سعود فروخته شود. آمریکا اخیراً موافقت کرده است که تجهیزات اضافی برای هواپیمای جنگی اف-۱۰۵ به عربستان بفروشد.» از سوی دیگر، بنوشته همین روزنامه، آمریکا هفت هواپیمای مسافربری بوئینگ در اختیار رژیم سرسپرده صدام حسین قرار خواهد داد.

رئیس شورای جهانی مسلح یادآور گردید که: «تلاش آمریکا در مسلح کردن رژیم ضیاع‌العراق باید در چارچوب اقدامهای تحریک‌آمیز آمریکا در اقیانوس هند، خلیج فارس مورد توجه قرار گیرد و وظیفه نیروهای مترقی آن است که با اوضاع ایجاد شده مقابله کنند.»

از سوی دیگر روزنامه تأییز آو ایندیا نوشت: «آمریکا می‌خواهد نقش ژاندارم منطقه را، که سابقاً شاه‌مخلوع بوده داشت، به ضیاع‌العراق دیکتاتور دست‌نشانده پاکستان واگذار کند.» تأییز آو ایندیا یادآور شد: «رژیم ضیاع‌العراق با ماجراجویی در منطقه می‌خواهد توجه مردم محروم پاکستان را در مشکلات داخلی منحرف سازد.»

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود



بدنیال تصمیم آمریکا: رژیم ضیاع‌العراق نقش ژاندارم منطقه را به عهده خواهد گرفت

رژیم ضیاع‌العراق اتحاد با آمریکا را مخفی نگاه می‌دارد، تا این امر بر عضویت پاکستان در جامعه کشورهای غیرمتعهد لطمه وارد نسازد.

تصمیم دولت آمریکا برای مسلح کردن رژیم دست‌نشانده ضیاع‌العراق با واکنش شدید محافل قریحخواه شبه‌قاره هند روبرو شده است. در ارتباط با این مسئله رومش جاندار، رئیس شورای جهانی صلح، گفت:

«تجربه نشان می‌دهد که مسلح کردن ارتش پاکستان تهدیدی علیه هند و دیگر کشورهای همجوار بوده است.» رومش جاندار یادآور شد:

«ضیاع‌العراق اتحاد جدید با آمریکا را مخفی نگاه می‌دارد، تا با اصطلاح وضع عدم قصد، پاکستان مصون بماند.» جاندار یادآور شد:

«آمریکا اکنون پاکستان را به پایگاه جدید تجاوز در منطقه تبدیل کرده و ضیاع‌العراق دیکتاتور پاکستان نقش شاه‌مخلوع ایران را عهده می‌گیرد.»